

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دعای مطالعه

«اللَّهُمَّ أَخْرِجْنِي مِنْ ظُلُمَاتِ الْوَهْمِ وَأَكْرِمْنِي بِنُورِ الْفَهْمِ اللَّهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنَا أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَأَنْشُرْ عَلَيْنَا خَزَائِنَ عُلُومِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»^۱
خدایا، مرا از تاریکی های وهم خارج کن و به نور فهم گرامی ام بدار. خدایا، درهای رحمتت را به روی ما بگشا و خزانه های علومت را برایمان باز کن؛ به مهربانی ات، ای مهربان ترین مهربانان!

۱. عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای مطالعه.



تقديم به ارواح قدسي ائمه معصومين عليهم السلام، به ویژه مولا و مقتدای زمان، حضرت
بقية الله الاعظم عليه السلام؛ شهدای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس؛ مدافعان مظلوم حرم اهل بيت و
زائران آستان ملكوتي امام علي بن موسى الرضا عليه السلام!

فردای روشن

مبانی قرآنی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی



محسن قرائتی



سرشناسه	: قرآنتی، محسن، ۱۳۲۴ - Qeraati, Mohsin
عنوان و نام پبداور	: فردای روشن : مبانی قرآنی بیانیة گام دوم انقلاب اسلامی/نویسنده محسن قرآنتی ؛ تهیه و تولید اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی ؛ ویراستار محتوایی جواد نشاطی زاده ؛ ویراستار زبانی و صوری سیدحمید حیدری ثانی ؛ ارزباب علمی جواد محسنی.
مشخصات نشر	: مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۸۴ص.
شابک	: 978-622-685230-2
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
عنوان دیگر	: مبانی قرآنی بیانیة گام دوم انقلاب اسلامی.
موضوع	: خاتمهای، سید علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- پیامها و سخنرانیها
موضوع	: Khamenei, Sayyed Ali -- Messages and speech
موضوع	: خاتمهای، سید علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۲۸ - -- دیدگاه درباره انقلاب اسلامی
موضوع	: Khamene'i, Ali, Leader of IRI, 1939 -- Views on Islamic Revolution
موضوع	: خاتمهای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- دیدگاه درباره قرآن
موضوع	: Khamene'i, Ali - Leader of IRI -- Views on the Qur'an
موضوع	: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ -- جنبه‌های قرآنی
موضوع	: Iran -- History -- Islamic Revolution, 1979 -- Qur'anic teaching
شناسه افزوده	: نشاطی زاده، جواد، ۱۳۵۷، ویراستار
شناسه افزوده	: حیدری ثانی، سیدحمید، ۱۳۶۳، ویراستار
شناسه افزوده	: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات اسلامی
شناسه افزوده	: Astan Qods Razavi. The Islamic Propagation Department
رده بندی کنگره	: DSR/۱۵۶۴
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۹۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۰۳۶۲۲



عنوان: فردای روشن، مبانی قرآنی بیانیة گام دوم انقلاب اسلامی

نویسنده: محسن قرآنتی

تهیه و تولید: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی

ویراستار محتوایی: جواد نشاطی زاده

ویراستار زبانی و صوری: سیدحمید حیدری ثانی

ارزیاب علمی: حجت الاسلام والمسلمین جواد محدثی

طراح جلد: سیدحسن موسی زاده

صفحه آرا: محمود کریم پور

ناشر: معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی

چاپخانه: مؤسسه فرهنگی قدس

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۵۲۳۰-۲

قیمت: ۶۰۰۰۰ ریال

نشانی: مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی، ضلع غربی، بین باب‌الهدای علیّه و

صحن غدیر، مدیریت فرهنگی.

صندوق پستی: ۹۱۷۳۵-۳۵۱

تلفن: ۳۲۰۲۵۶۷-۰۵۱

سامانه پیامکی دریافت پیشنهادهای و انتقادهای: ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲



حق چاپ محفوظ است.

فهرست



۷	مقدمه
۹	تاریخ گذشته
۱۱	انقلاب و امروز
۱۲	از عقب ماندگی شرم آور تا پیشرفت های شگفت آور
۱۴	ویژگی های انقلاب و نظام اسلامی ایران
۲۰	۱. توجه به تاریخ
۲۲	۲. توجه به نوآوری ها
۲۳	۳. استقلال
۲۴	۴. آزادی
۲۸	۵. جمهوری اسلامی
۲۸	۶. تقابل اسلام و استکبار
۲۹	۷. توجه به نعمت های خاص
۳۰	۸. پاک سازی و طرد افراد نفوذی
۳۲	۹. عزت
۳۳	۱۰. توجه به نقش جوانان
۳۶	۱۱. پایداری
۳۷	۱۲. دستاوردهای جمهوری اسلامی
۳۷	۱. اقتدار نظامی
۳۹	۲. اقتدار علمی
۴۰	۱۳. مدیریت جهادی
۴۰	۱۴. عزت، حکمت، مصلحت
۴۰	۱۵. داشته ها و سرمایه ها
۴۲	۱۶. رکود و توقف ممنوع!
۴۳	۱۷. توجه به ظرفیت ها
۴۴	الف. ظرفیت های انسانی
۴۵	ب. ظرفیت های مادی
۴۵	ج. ظرفیت های انقلاب اسلامی
۴۵	۱۸. نگاهی به تفاوت ها
۴۶	۱. چالش ایران با آمریکا
۴۶	۲. چالش غرب با ایران
۴۶	۳. تصور آمریکا از ایران





۴۷	۱۹. توجه به شباهت‌ها و نمونه‌های تاریخی
۴۹	۲۰. توجه به باید‌های پیش رو
۵۲	۲۱. عدالت نسبی؛ نه عدالت مطلوب
۵۵	۲۲. توجه به اقدامات دشمن
۵۷	علل گمراهی مردم از دیدگاه قرآن
۵۹	۲۳. توجه به اقتصاد
۶۱	۲۴. رعایت اولویت‌ها
۶۲	۲۵. اقتصاد هدفمند
۶۳	۲۶. تعدیل ثروت
۶۴	۲۷. نکاتی درباره اقتصاد اسلامی
۶۵	۲۸. توجه به معنویات
۶۶	نگاه مادی و معنوی
۶۸	۲۹. توجه به هویت
۷۰	۳۰. نگاه جمعی
۷۱	۳۱. پویایی
۷۲	۳۲. پاک‌دستی و پارسایی
۷۴	کتابنامه
۷۹	مسابقه فرهنگی





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين. اللهم صل على محمد وآل محمد وعجل فرجهم. بر همه لازم است به پیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توجه کنند که فرمودند فقهای عادل‌ی که مخالف هوای نفس‌اند، جان‌نشینان ما هستند و در حوادث به آن‌ها مراجعه کنید: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»^۱ امروز فقیه‌ی که علما انتخابشان کرده‌اند و وظیفه‌ی همه‌ی ما اطاعت از ایشان است، رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) هستند که در حوادث واقع، باید از فرمان و پیام آن بزرگوار اطاعت کنیم.

بهترین پیام ایشان بعد از ده‌ها سال تجربه و مدیریت و حکومت، بیانیه‌ی اخیر است که در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ صادر کرده‌اند. این نامه نتیجه‌ی عمری تجربه همراه با تقوا و بصیرت است. بر آن شدیم که گوشه‌ای از مبانی قرآنی و روایی‌اش را بیان کنیم تا ان شاء الله در خط امام رضا علیه السلام قرار بگیریم. براساس فرموده‌ی آن حضرت، هرگاه از ایشان جمله‌ای شنیدیم، باید مبانی قرآنی آن را از خودشان بپرسیم تا بدانیم که سخنان ناب اهل بیت علیهم السلام برخاسته از قرآن است.^۳

اگر انسان بداند سخنی برخاسته از قرآن و حدیث و تجربه است، با اطمینان بیشتر آن را عملی می‌سازد. این بیانیه را می‌توان مبتنی بر صدها

۱. محمدبن حسن طوسی (شیخ الطائفة)، کتاب الغيبة، ص ۲۹۱.

۲. امام صادق علیه السلام فرمودند: «... مَنْ كَانَ مِنْكُمْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَ نَظَرَ فِي خَلَايِنَا وَ حَرَامِنَا وَ عَرَفَ أَحْكَامَنَا فَلْيَبْزُؤُوا بِهِ حِكْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا...» (محمدبن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج ۱، ص ۶۷) که طبق این روایت، منظور از روابان حدیث، فقیه و حاکم واجد شرایط است (نک: مرتضی انصاری، القضاء و الشهادات، ص ۴۷ و ۴۸).

۳. نک: محمدبن عمر کشی، اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الکشی، ج ۲، ص ۴۸۹ و ۴۹۰.





آیه و حدیث دانست. مستندات بعضی از جملاتش را می‌آوریم و امید داریم دیگران آن را تکمیل کنند و خداوند آن را قبول فرماید و امت به آن نامه، با نگاهی خاص و تکلیف‌آور بنگرند. برای تحقق این هدف، از خداوند نیت پاک و استدلال روشن در سایه قرآن و روایات خواهانیم.

روح این بیانیه خوش بینی، امیدبخشی، ایمان به خدا و اعتماد به امت، با نگاهی به تاریخ گذشته و امکانات امروز و چشم‌انداز آینده است که در ادامه اجمالاً آن‌ها را مرور می‌کنیم.

معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی



تاریخ گذشته

در گذشته، حکومت ایران وضعیت نامناسبی داشت که به چند نمونه آن اشاره می‌شود:

♦ طاغوتی بود برخاسته از زور بیگانگان که مردم را به پیروی از خود وادار می‌کرد: ﴿وَاتَّبِعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ﴾^۱ و امام خمینی علیه السلام موسی‌گونه به سراغ آن طاغوت رفت: ﴿أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ أَنَّهُ طَغَى﴾^۲. آن طاغوت، پادشاهی مستبد بود که شعار فرعون می‌داد: ﴿مَا أَرِيكُمْ إِلَّا مَا آرَى﴾^۳.

♦ رژیم کودتایی، آن هم از نوع خارجی نه داخلی، بدون آرا و پشتوانه مردم و بدون هیچ‌گونه لیاقت و سابقه و کمال بود؛ همان‌گونه که امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نامه‌ای به معاویه نوشتند: «... تو نه سابقه درخشانی [در دین] داری و نه شرافتی والا و بلند [در زندگی]!»^۴

♦ حکومتی خودفروخته و وابسته، همراه با آلودگی اخلاق، تبلیغات ضد ارزش و انحصار بیشترین خدمات به پایتخت و مناطق بزرگ بود؛ درحالی‌که امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده‌اند: «فَإِنَّ لِلْأَقْصَى مِنْهُمْ مِثْلَ الَّذِي لِلْأَدْنَى.»^۵

و در جای دیگر رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «مَنْ تَقَدَّمَ عَلَى قَوْمٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَ هُوَ بَيْرَى أَنْ فِيهِمْ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنْهُ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الْمُسْلِمِينَ.»^۶ (هرکس بر گروهی از مسلمانان پیشی گیرد درحالی‌که

۱. «و از فرمان هر ستمگر دشمن حق پیروی کردند!» (هود، ۵۹).

۲. «اینک به‌سوی فرعون برو که او طغیان کرده است» (طه، ۲۴).

۳. «من جز آنچه را معتقدم، به شما ارائه نمی‌کنم» (غافر، ۲۹).

۴. «... بی‌غیر قدم سابق و لا شرف باسبق» (علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، نامه ۱۰).

۵. «برای دورترین آن‌ها همان سهمی وجود دارد که برای نزدیک‌ترین آنان هست» (علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، نامه ۵۲، خطاب به مالک اشتر، فرماندار مصر).

۶. عبدالحسین امینی، موسوعة الغدير في الكتاب و السنة و الادب، ج ۸، ص ۴۱۱؛ محمد بن طیب باقلانی مالکی، تمهید الاوائل فی تلخیص الدلائل، ص ۴۷۴ و ۴۸۶.





می‌داند شخصی شایسته‌تر از او در میان آنان وجود دارد، به خدا و پیامبر او و مسلمانان خیانت کرده است.)

♦ غرب را الگو قرار می‌دادند، به جای آنکه طبق نص صریح قرآن، پیامبر اعظم ﷺ الگو باشند: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾^۱ و به جای اطاعت از خدا، مردم را با ارباب و تهدید و تحقیر، به اطاعت وامی‌داشتند: ﴿فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ﴾^۲.

♦ دچار عقب‌ماندگی‌های علمی، سیاسی و معنوی بودند؛ آن‌گونه که قرآن می‌فرماید: ﴿وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾^۳.

در آن اوضاع نامطلوب، مردم با اراده و شناخت و بصیرت، دور امام خمینی علیه السلام جمع شدند و ابراهیم‌وار بت‌های موهوم را درهم شکستند و بار دیگر، آیه ﴿فَجَعَلَهُمْ جُنُودًا﴾^۴ نمود پیدا کرد.

خداوند انقلاب اسلامی را برخاسته از ایمان اسلامی و به دست امام خمینی علیه السلام ایجاد کرد. حرکت امام و پیروی مردم، بر اساس ایمان و شجاعت بود؛ همان‌گونه که ایمان ساحران به حضرت موسی علیه السلام بر اساس شجاعت بود. از تهدیدها نترسیدند و گفتند: ﴿لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ﴾^۵ و در برابر شکنجه‌ها مقاومت کردند: ﴿وَلَتَصْبِرَنَّ عَلَيَّ مَا أَدَبْتُمُونَا﴾^۶. خداوند نیز عنایت کرد و امام و یارانش را طبق وعده خود به انبیا، یاری رساند: ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾^۷.

۱. «مسلماناً برای شما در زندگی رسول خدا سمرشق نیکویی بود» (احزاب، ۲۱).

۲. «[فرعون] قوم خود را سبک [مغز] شمرد؛ در نتیجه از او اطاعت کردند» (زخرف، ۵۴).

۳. «قطعاً پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند» (آل عمران، ۱۶۴).

۴. «سرانجام [با استفاده از فرصتی مناسب، همه] آن‌ها را خرد کرد» (انبیاء، ۵۸).

۵. «مهم نیست، هر کاری از دستت ساخته است، بکن! [ما به سوی پروردگارمان بازمی‌گردیم]» (شعراء، ۵۰).

۶. «و ما به‌طور مسلم در برابر آزارهای شما صبر خواهیم کرد [و دست از رسالت خویش برنمی‌داریم]» (ابراهیم، ۱۲).

۷. «ما به‌یقین، پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان به پا می‌خیزند، یاری می‌دهیم» (غافر، ۵۱).



انقلاب و امروز



کم کم انقلاب پیروز و عصر جدیدی آغاز شد. این انقلاب، دین و دنیا را در کنار هم گذاشت و آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت و برادری را به جای تفرقه، ذلت، قساوت، خفقان نشاند و ترکیبی از جمهوریت و اسلامیت را به ارمغان آورد. بنابراین هم به آیه **﴿وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ﴾**^۱ عمل شد و هم به آیه **﴿وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا﴾**^۲.

مستکبران از این پدیده ناراحت شدند؛ چون توقع نداشتند غیر از قدرت شرق و غرب، قدرتی پیدا شود و کسی راه جدیدی را بدون اعتنا به قدرت‌ها برای خود پیش گیرد. می‌گفتند: **﴿أَمْ تُمْرُّ بِهٖ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ﴾**^۳.

فشارها شروع شد و دسیسه‌ها به کار افتاد؛ ولی خداوند همچنان مردم را یاری کرد و هرچه مستکبران توطئه کردند، خنثی شد: **﴿وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ﴾**^۴.

با مقایسه، مسائل بهتر روشن می‌شود. در قرآن نیز ده‌ها آیه برای بصیرت‌افزایی از راه مقایسه آمده است؛ مثلاً می‌فرماید: **﴿أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ﴾**^۵ و در آیه دیگر می‌فرماید: **﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾**^۶ و... به پیروی از این اصل، در ادامه مقایسه‌ای بین قبل از انقلاب و بعد از انقلاب می‌کنیم.

۱. «و کارهایشان را به مشورت یکدیگر انجام می‌دهند» (شوری، ۳۸).

۲. «و چه کسی بهتر از خدا [برای قومی که اهل یقین‌اند، حکم می‌کند؟] (مانده، ۵۰).

۳. «آیا پیش از آنکه به شما اجازه دهم، به او ایمان آوردید؟!» (اعراف، ۱۲۳).

۴. «و نقشه کشیدند و خداوند [هم] چاره‌جویی کرد و خداوند بهترین چاره‌جوست» (آل عمران، ۵۴).

۵. «آیا کسی که بالیمان باشد، همچون کسی است که فاسق است؟! نه، هرگز این دو برابر نیستند» (سجده، ۱۸).

۶. «آیا کسانی که می‌دانند، با کسانی که نمی‌دانند، یکسان‌اند؟!» (زمر، ۹).





از عقب ماندگی شرم آور تا پیشرفت های شگفت آور

با نگاهی به گذشته می بینیم دچار انواع عقب افتادگی های علمی و سیاسی و معنوی بودیم و حاکمان با تحقیر و به استضعاف کشیدن مردم حکومت می کردند. مردم نیز تجربه ای برای انقلاب اسلامی نداشتند و همه چیز علیه انقلاب بود. این ها انسان را یاد دوران جاهلیت عرب می اندازد: خدای آن ها بت بود و قحطی بر آن ها حاکم. مردم در جاهلیت و تحجر بودند و دخترکشی و فضیلت کشی رسم توده مردم بود. آنان به فکر شب و شراب و شهوت و غارت بودند. ولی به برکت اسلام، بسیاری از این مفاسد اصلاح شد و بدعت ها و خرافه ها از میان رفت. برای نمونه، چند مثال می آوریم:

◀ تبدیل جهل به علم: ... ﴿فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ﴾^۱ و ﴿وَاذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾^۲.

◀ تبدیل دشمنی به محبت: ﴿وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾^۳ و ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾^۴.

◀ تبدیل بخل به ایثار: ﴿وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾^۵.

۱. «خدا را یاد کنید که آنچه را نمی دانستید، به شما آموخت» (بقره، ۲۴۰).

۲. «و به خاطر بیاورید هنگامی را که شما در روی زمین، گروهی کوچک و اندک و زبون بودید؛ آن چنان که می ترسیدید مردم شما را برابند! ولی او شما را پناه داد و با یاری خود، تقویت کرد و از روزی های پاکیزه بهره مند ساخت؛ شاید شکر نعمتش را به جا آورید» (انفال، ۲۶).

۳. «و نعمت [بزرگی] خدا بر خود را به یاد آورید که چگونه دشمن یکدیگر بودید. و او میان دل های شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او، برادر شدید» (آل عمران، ۱۰۳).

۴. «جز این نیست که مؤمنان برادر یکدیگرند» (حجرات، ۱۰).

۵. «آن ها را بر خود مقدم می کنند؛ هرچند خودشان بسیار نیازمند باشند» (حشر، ۹).





◀ اصلاح نگرش به زن، از تحقیر به کرامت او؛ تا آنجا که قرآن به زن لقب کوثر داد: ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾^۱ و خدمت به او پاداش جهاد پیدا کرد؛ چنان که پیامبر اسلام ﷺ فرموده‌اند: «الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۲ (کسی که در راه [تأمین مخارج] خانواده‌اش زحمت می‌کشد، مانند مجاهد در راه خداست).

در مقابل آن عقب‌افتادگی‌ها، انقلاب اسلامی به مسلمانان عزت و استقلال و عقلانیت و برادری و آزادی عطا کرد. این انقلاب به دست مرجع تقلیدی مثل امام خمینی رحمته الله علیه و علمای همراه با ایشان شکل گرفت که امیرالمؤمنین علی علیه السلام و زلیفه آنان را قیام علیه پُرخوران و حمایت از گرسنگان قرار داده‌اند: «وَمَا أَخَذَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يَقْرَؤُوا عَلَى كِظَّةٍ ظَالِمٍ وَلَا سَعَبٍ مَظْلُومٍ»^۳

همین جمله و توصیه حضرت، دلیل آن است که باید مردم با رهبری علما حکومت تشکیل دهند و قدرت را به دست گیرند تا بتوانند حق مظلومان گرسنه را از ظالمان پرخور بگیرند؛ بدون قدرت و حکومت، این سفارش عملی نمی‌شود.

البته قلّه‌ای که همه باید به آن توجه کنند، عدالت جهانی به رهبری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف است؛ ولی در زمان غیبت، خود اهل بیت علیهم السلام سفارش کرده‌اند که فقیه عادل مخالف هوا، نزدیک‌ترین فرد به رهبر معصوم است.^۴ مخفی‌نماند که در هر کشوری، اختلاف هست و باید سخن

۱. کوثر، ۱.

۲. منسوب به علی بن موسی علیه السلام، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۰۸؛ محمد بن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج ۵، ص ۸۸، به روایت از امام صادق علیه السلام.

۳. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، خطبه ۳.

۴. «فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَانِعاً لِنَفْسِهِ حَافِظاً لِدِينِهِ مُخَالَفاً لِهَوَاهُ مُطِيعاً لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلْيَلْعَوْنِ أَنْ يُقْلَدُوهُ» (نک: حسن بن علی علیه السلام، التفسیر المنسوب الی الامام الحسن المسکری علیه السلام، ص ۳۰۰؛ احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۵۸).





یک نفر فصل الخطاب باشد. در خود آمریکا همین که بین رئیس جمهور بوش و رقیبش اختلاف افتاد، رئیس قوه قضاییه حرف آخر را زد. در سایر کشورها نیز باید مرجعی برای پایان دادن به اختلافات باشد که همه در برابر او تسلیم باشند. امتیاز جمهوری اسلامی آن است که آن کسی که باید حرف آخر را بزند، باید باسوادترین، باتقواترین، عادل و بی هوس باشد؛ به گونه ای که هیچ تهدید و تطمعی او را به قضاوت خلاف و ندارد.

ناگفته پیداست که سخن از عصمت ولی فقیه نیست؛ بلکه سخن از حجت بودن کلام اوست: ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾^۱ (به پروردگارت سوگند که آن‌ها مؤمن نخواهند بود، مگر اینکه در اختلاف‌های خود، تو را به داوری طلبند و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم باشند.)

ممکن است فتوای مرجعی تغییر کند، یا دانشمندی در نوشته خود تجدیدنظر کند، یا پزشکی در نسخه‌اش اشتباه کند؛ اما همه عقلای دنیا در طول تاریخ، به کارشناس خبره مراجعه می‌کنند و سخن او را ملاک قرار می‌دهند، با اینکه می‌دانند ممکن است درصدی خطا داشته باشد.^۲

ویژگی‌های انقلاب و نظام اسلامی ایران

ما باید نگاهی به نظام خود بیندازیم و بدانیم این انقلاب چه ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارد:

۱. نساء، ۶۵.

۲. امام صادق (ع) فرموده است: «... فَلَنتَزَوُّوا بِهٖ حَكْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا...» (... پس حکم را نزد او ببرید و قضاوتش را بپذیرید؛ چون که من او را بر شما حاکم قرار دادم) (نک: محمدبن ادریس حلی، کتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۲، ص ۵۴۰).





♦ ما هرگز آغازگر جنگ نبودیم؛ زیرا آغازگر جنگ، ستیزه جو و محکوم به شکست است.^۱ در زمان صدام هم اولین گلوله را عراقی ها شلیک و جنگ را آغاز کردند، نه ما. به قول قرآن: ﴿وَهُمْ بَدَؤُكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ﴾.^۲

♦ همیشه حامی مظلومان بوده ایم؛ زیرا توصیه امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه این است: «و... لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا»^۳ و از طرفی قرآن ما را توییح کرده است که چرا در حمایت از مظلومان قیام نمی کنید: ﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾.^۴

♦ حرکت ما بر اساس وظیفه بوده و هرگز منفعل و مردد نبوده ایم؛ همان گونه که تابلوی کتاب آسمانی ما ﴿لَا رَيْبَ فِيهِ﴾^۵ است.

♦ بی رحم و خون ریز نبوده ایم. قرآن می فرماید: ﴿رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾.^۶
♦ اگر خطایی پیش آمده، آماده اصلاح و تصحیح بوده و هستیم؛ زیرا امام سجاد علیه السلام از خدا می خواهد از راهنماها پیروی کند: «وَمَتَابَعَةَ مَنْ أُرْسِدَنِي».^۷

♦ بی انصاف نبوده ایم؛ زیرا قرآن به ما آموخته است که حتی در انتقاد از شراب و قمار، از منافع مادی آن غفلت نشود: ﴿قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمَا لَأَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا﴾.^۸

♦ قرآن به ما دستور می دهد که حتی اگر یک نفر از مشرکان، در جبهه جنگ، مهلت تحقیق خواست، به او فرصت دهیم تا کلام خدا را بشنود و او

۱. نک: «... فَإِنَّ الدَّاعِيَ إِلَيْهَا بَاغٍ وَ الْبَاغِي مَضْرُوعٌ» (علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، حکمت (۲۳۳).

۲. توبه، ۱۳.

۳. «و... یاور مظلوم باشید» (علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، نامه (۴۷).

۴. نساء، ۷۵.

۵. بقره، ۲.

۶. فتح، ۲۹.

۷. علی بن حسین علیه السلام، صحیفه سجاده، دعای ۲۰.

۸. «بگو: در آن دو، گناهی بزرگ و سودهایی برای مردم است؛ ولی [گناهشان از سودشان بزرگتر است]» (بقره، ۲۱۹).



را با حفاظت کامل به محل امن خود برسانیم که اضطرابی نداشته باشد: ﴿وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ﴾.^۱ بنابراین دینی که منطق و عقل دارد، عجله ندارد و دل سوزی اسلام به قدری است که در سخت‌ترین موقعیت‌ها که زمان جنگ است، حتی برای یک نفر فضای پژوهش و تفکر باز می‌کند و به مسلمانان دستور می‌دهد که این محقق را سالم به خانه خود برسانید.

◆ حرف خود را با صراحت و شجاعت گفته‌ایم؛ زیرا قرآن به ما سفارش کرده که به دشمنان بگویید: ﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ﴾.^۲

◆ حتی در دشمنی‌ها از افراط و تفریط دور بوده‌ایم؛ زیرا قرآن فرموده است: ﴿وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا﴾.^۳

◆ قدرت خود را روزبه‌روز افزایش داده‌ایم؛ زیرا قرآن گفته است: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾.^۴

◆ مرورت را سرلوحه کار خود قرار داده‌ایم؛ چراکه قرآن فرموده است: ﴿أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ﴾.^۵ امام حسین علیه السلام به مخالفان خود در کربلا فرمود اگر دین ندارید و از قیامت نمی‌ترسید، [لااقل] در دنیای خود آزاد و جوانمرد باشید: «إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ فَكُونُوا أَحْرَارًا فِي دُنْيَاكُمْ».^۶

◆ وقتی لانه جاسوسی آمریکا را دانشجویان پیرو خط امام تسخیر

۱. توبه، ۶.

۲. «ایمابر خطاب به مشرکان فرمود: [دین شما برای شما و دین من برای خودم] (کافرون، ۶).

۳. «پادشاه هر بدی و گناهی، مانند همان بدی و گناه است» (شوری، ۴۰).

۴. «آنچه از نیرو که می‌توانید، برای دشمنان آماده سازید» (انفال، ۶۰).

۵. «آیا در میان شما یک مرد [خیرخواه] رشید [خداپرست] نیست؟» (هود، ۷۸).

۶. علی بن موسی بن جعفر بن طاووس (سیدبن طاووس)، اللهوف علی قتلی الطفوف؛ آهی سوزان بر مزار شهیدان، ص ۱۲۰.





کردند، مستکبران ترسیدند: ﴿وَقَدَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرَّعْبَ﴾^۱. فکر نمی‌کردند که سفارتخانه‌شان ناامن شود: ﴿فَاتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا﴾^۲. نوشته‌هایشان را با دست خود چرخ کردند: ﴿يُخْرِبُونَ بَيْوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ...﴾^۳. خیال می‌کردند سفارتخانه محل امن آن‌هاست: ﴿وَوَطَّنُوا إِنَّهُمْ مَأْنَعَتْهُمْ حُصُونَهُمْ مِنَ اللَّهِ﴾^۴.

◆ بعضی از مهره‌های خودباخته طبق سیاست‌های کلیشه‌ای معتقد بودند که حتماً باید به قدرتی وصل شوند. انقلاب آمد و گفت نه شرقی و نه غربی و فقط خدا: ﴿قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ﴾^۵.

◆ در انقلاب، مردم خود را متحد با هم می‌دانستند. قرآن می‌فرماید: ﴿... بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ...﴾^۶. جوانان وارد میدان شدند. طبق نص قرآن، ابراهیم صدساله همراه اسماعیل سیزده‌ساله هر دو مسئولیت تطهیر مسجد الحرام را داشتند: ﴿... طَهَّرَا بَيْتِي...﴾^۷.

◆ مردم دور امام پروانه‌وار چرخیدند و اطاعت کردند: ﴿هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِبَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ﴾^۸ و هشت سال جنگ، آنان را خسته نکرد: ﴿قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا﴾^۹. روحیه «ما می‌توانیم» در مردم تزریق شد و باور کردند. قرآن وعده داده است: ﴿... وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^{۱۰}. تمامیت ارضی تضمین شد و دشمن را به عقب راندند و منطقۀ تصاحب‌شده را پس

۱. «در دل‌های آنان وحشت افکند» (احزاب، ۲۶؛ حشر، ۲).

۲. «اما خداوند از آنجا که گمان نمی‌کردند، به سراغشان آمد» (حشر، ۲).

۳. «به‌گونه‌ای که خانه‌های خود را با دست خویش ویران می‌کردند...» (حشر، ۲).

۴. «و خودشان نیز گمان می‌کردند که دژهای محکمشان مانع عذاب الهی می‌شود» (حشر، ۲).

۵. «بگو خدا؛ سپس ایشان را به خودشان واگذار» (انعام، ۹۱).

۶. «... بعضی از شما از بعضی دیگر...» (آل عمران، ۱۹۵؛ نساء، ۲۵).

۷. «... خانه مرا [برای طواف کنندگان و معتقدان و نمازگزاران] پاکیزه سازید» (بقره، ۱۲۵).

۸. «و او کسی است که با نصرت خود و یاری مؤمنان، تو را تأیید و کمک کرده است» (انفال، ۶۲).

۹. «گفتند پروردگار ما خداست و سپس [بر آن] استقامت ورزیدند» (فصلت، ۳۰؛ احقاف، ۱۳).

۱۰. «... اگر مؤمن باشید، برتری با شماست» (آل عمران، ۱۳۹).





گرفتند و به آیه ﴿... فَقاتِلُوا الَّتِي تَبغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ﴾^۱ عمل کردند. ♦ دست‌نشانده‌های آمریکا را از کشور بیرون کردند؛ چون قرآن سفارش کرده بود: ﴿... لا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ﴾^۲.

♦ با لبخندهای دشمن فریب نخوردند: ﴿وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ﴾^۳. فهمیدند دشمن خیر ما را نمی‌خواهد. اگر جوانان ما به کمالی برسند، دشمنان عصبانی می‌شوند. به آنان گفتیم: ﴿قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ﴾^۴.

♦ دشمن هرگز خیرخواه ما نبوده؛ بلکه خواهان سختی و دردسر ماست: ﴿... وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ...﴾^۵. به توانایی داخلی تکیه کردیم؛ چنان‌که نماز به ما آموخت که باید در سایهٔ حول و قوهٔ الهی کار کنیم، ولی با تکیه بر قیام و قعود خودمان: «بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ أَقُومُ وَ أَفْعُدُ»^۶.

♦ بدخواهان همیشه در فکر خاموش کردن نور خدا بودند؛ ولی روزبه‌روز جلوهٔ حق بیشتر شد: ﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ﴾^۷. ما نباید از دشمن انتظار خیر داشته باشیم. او به قدری خبیث است که اگر سیل یا زلزله‌ای، ویرانی بزرگی ایجاد کند، هرگز حاضر نیست کمک کند و حتی مانع کمک‌های دیگران نیز می‌شود. دشمنان صدام را به غرور واداشتند که چندروزه ایران را خواهی گرفت و به قول قرآن: ﴿لَا غَالِبَ لِكُمُ الْيَوْمَ﴾^۸؛ ولی تیرشان به سنگ خورد.

♦ دشمن از هیچ‌گونه تضعیف رهبر، مکتب و امت فروگذار نکرده است؛

۱. «... با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد» (حجرات، ۹).

۲. «... از غیر خودتان، دوست و آ هم‌راز نگیرید.» (آل عمران، ۱۱۸).

۳. «دوست دارند نرمش نشان دهی تا آن‌ها هم نرمش نشان دهند، [نرمشی توأم با انحراف از مسیر حق!]» (قلم، ۹).

۴. «بگو: به خشم خود بمیرید» (آل عمران، ۱۱۹).

۵. «... آرزو دارند که در رنج بیفتید...» (آل عمران، ۱۱۸).

۶. منسوب به علی بن موسی علیه السلام، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، ص ۱۰۸.

۷. «آیا می‌خواهید نور خدا را با دهانتان خاموش کنید؟ خداوند نور خود را به نهایت می‌رساند» (صف، ۸).

۸. [شیطان خطاب به مشرکان گفت: امروز هیچ‌کس از مردم بر شما پیروز نمی‌شود] (انفال، ۴۸).





ولی پیروان حق همیشه در تاریخ پیروز بوده‌اند: ﴿بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ...﴾^۱.

♦ قرآن به ما آموخت که دشمن، شما را سفیه می‌خواند: ﴿... أَ نُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ﴾^۲. به شما می‌گوید پیغمبر انسانی است مثل شما: ﴿... مَا تَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا﴾^۳ و پیروان پیامبر ﷺ ارادل و او باش‌اند: ﴿... هُمْ أَرَادْنَا بِادِي الرَّأْيِ﴾^۴ تا با تحریم اقتصادی، دور پیغمبر را خلوت کند: ﴿... لَا تَنْفِقُوا عَلَى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا...﴾^۵. گاهی نیز می‌خواهد با استفاده از عواملی همچون عوامل زیر، ما را از میان بردارد:

- با نمادهای مذهبی، مانند مسجد ضرار، قرآن به نیزه کردن و سوگند دروغین: ﴿تَتَّخِذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ﴾^۶؛
- با گریه قلبی: ﴿وَجَاؤُا بِأَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ﴾^۷؛
- با ایجاد تفرقه: ﴿وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا﴾^۸؛
- با سفرها و کنفرانس‌ها و متینگ‌ها: ﴿لَا يَغُرَّتْكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ﴾^۹؛
- و با انواع زخم‌زبان‌ها: ﴿وَلِتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ... أذَى كَثِيرًا﴾^{۱۰}.

۱. «بلکه ما همیشه حق را بر باطل پیروز می‌گردانیم تا باطل را محو و نابود سازد و بدین‌گونه، باطل نابودشدنی است...» (انبیاء، ۱۸).

۲. «... آیا همچون ابلهان ایمان بیاوریم؟!» (بقره، ۱۳).

۳. «... ما تو را جز بشری همچون خودمان نمی‌بینیم!» (هود، ۲۷).

۴. «... ایشان [گروهی] ارادل ساده‌لوح‌اند» (هود، ۲۷).

۵. «به کسانی که در اطراف رسول خدا گرد آمده‌اند، انفاق نکنید [و چیزی ندهید] تا پراکنده شوند...» (منافقون، ۷).

۶. «سوگندهایشان را سپر قرار دادند و به این وسیله، از راه خدا جلوگیری کردند» (مجادله، ۱۶؛ منافقون، ۲).

۷. «[برادران یوسف] شب‌هنگام، گریان به سراغ پدر آمدند» (یوسف، ۱۶).

۸. «[فرعون] مردم آن [سرزمین] را به گروه‌های مختلفی تقسیم کرد» (قصص، ۴).

۹. «مبادا رفت‌وآمد [و جنب‌وجوش] کافران در شهرها تو را بفریبد» (آل عمران، ۱۹۶).

۱۰. «و از کسانی که پیش از شما به آن‌ها کتاب [آسمانی] داده شده است، [یهود، ...] سخنان آزاددهنده فراوان خواهید شنید» (آل عمران، ۱۸۶).



اما خداوند چنین وعده داده است که نیرنگشان را بی اثر می‌سازد: ﴿الْمُ
يَجْعَلُ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ﴾^۱ و حیلۀ بدخواهانۀ آنان هیچ‌گونه آسیبی به
ما نمی‌رساند: ﴿لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ﴾^۲.

۱. توجه به تاریخ

هدف قرآن از نقل تاریخ، عبرت‌آموزی است، نه داستان‌سرایی. توجه به
تاریخ سبب غفلت‌زدایی می‌شود و سازنده است و بی‌توجهی به آن، سبب
توبیخ است: ﴿الْمُرْيَاتِهِمُ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾^۳.

سنت‌های تاریخ ثابت است و برای همه مفید. توجه به تاریخ هر قوم،
برای تبلیغ و تربیتشان لازم است: ﴿... قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ﴾^۴.

توجه به تاریخ، زمینۀ صبر و شکر را در انسان به وجود می‌آورد. یادآوری
مصیبت‌ها و تلخی‌های گذشته و برطرف شدن آن‌ها، انسان را به شکر و اداری
می‌کند: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾^۵.

توجه به پایداری امت‌ها و پیروزی آنان، آدمی را به صبر و مقاومت دعوت
می‌کند: ﴿مَسْتَهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالصَّرَاءُ﴾^۶.

توجه به تاریخ و سرنوشت سعادت‌مندانۀ کسانی که در امتحان پیروز
شده‌اند و سرنوشت تلخ کسانی که در امتحانات الهی مردود شده‌اند، زمینۀ
پیروزی در امتحانات الهی را فراهم می‌کند: ﴿أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ﴾^۷.

بهترین درس برای زندگی امروز، عبرت‌گرفتن از تاریخ گذشته است.

۱. «آیا نقشه آن‌ها را در ضلالت و تباهی قرار نداد؟!» (فیل، ۲).

۲. «نقشه‌های [خائنانه] آنان، به شما زبانی نمی‌رساند» (آل عمران، ۱۲۰).

۳. «آیا گزارش [حال] کسانی که پیش از آنان بودند، به اینان نرسیده است؟» (توبه، ۷۰).

۴. «... پیش از آن، امت‌هایی روزگار به سر بردند» (زعد، ۳۰).

۵. «در این، نشانه‌هایی است برای هر صبور شکرگزار» (لقمان، ۳۱؛ شوری، ۳۳؛ ابراهیم، ۵).

۶. «به ایشان سختی و رنج رسید» (بقره، ۲۱۴).

۷. این عبارت در هشت آیه بیان شده است: یوسف، ۱۰۹؛ حجر، ۱۰؛ نحل، ۴۳؛ انبیاء، ۲۵؛ حج، ۵۲ و... .





البته عبرت از تاریخ، به فطرتی سالم و روحی پاک نیازمند است: ﴿لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾^۱.

آری، ایمان در بصیرت و روشن بینی انسان تأثیرگذار است. باید از تاریخ پیشینیان، عبرت بگیریم: ﴿وَلَقَدْ عَلَّمْتُمُ الَّذِينَ آخَذُوا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ...﴾^۲ ﴿قَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ﴾^۳، ﴿فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ...﴾^۴ ﴿فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ﴾^۵، ﴿... فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ﴾^۶.

آری، بیان سختی‌ها و تلخی‌های گذشته، لذت آزادی امروز را چندین برابر می‌کند: ﴿... يَسْؤُمُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ﴾^۷. در تاریخ می‌خوانیم که قوم موسی عَلَيْهِ السَّلَام پس از برخورداری از لطف ویژه الهی و رسیدن به حکومت، گرفتار ذلت و مسکنت شدند. این یعنی ﴿لَمْ يَأْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ﴾^۸ به ﴿بَأَوْ بَعْضٍ مِنَ اللَّهِ﴾^۹ تبدیل شد. باید توجه داشته باشیم که ایران قبل از انقلاب چه تاریخی داشته است! رژیم سلطنتی وابسته به بیگانگان، مستبد و فاسد، از طریق کودتا، صنعتش وارداتی، علمش ترجمه‌ای، کشورش تحت سلطه و تحقیرشده و عقب مانده، اخلاقش آلوده و غرب زده، تبلیغاتش ترویج فساد،

۱. «... نشانه‌هایی است برای گروهی که به خدا و رسول ایمان می‌آورند» (نحل، ۷۹؛ نمل، ۸۶، عنکبوت، ۲۴؛ روم، ۳۴).

۲. «قطعاً از حال کسانی از شما، که در روز شنبه نافرمانی و گناه کردند، آگاه شده‌اید...» (بقره، ۶۵).

۳. «ریشه کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند و ایمان نیاوردند، قطع کردیم» (اعراف، ۷۲).

۴. «پس ببینند عاقبت کسانی که پیش از آن‌ها بودند، چه شد...» (یوسف، ۱۰۹؛ روم، ۹؛ فاطر، ۴۴، غافر، ۲۱ و ۸۲، محمد، ۱۰).

۵. «پس بنگر [بد] که عاقبت تکذیب‌کنندگان [حق] چگونه بوده است...» (زخرف، ۲۵).

۶. «... آیا کسی هست که پند گیرد؟» (قمر، ۱۵ و ۱۷ و ۲۲ و ۳۲ و ۴۰ و ۵۱).

۷. «... شما را به بدترین وجهی عذاب می‌کردند: پسرانتان را سر می‌بریدند و زنانتان را [برای خدمتکاری،] زنده می‌گذاشتند» (ابراهیم، ۶).

۸. «[به شما چیزهایی بخشید که] به هیچ‌یک از جهانیان نداده بود» (مائده، ۲۰).

۹. «به خشم خدا گرفتار شدند» (بقره، ۶۱؛ آل عمران، ۱۱۲).





خدماتش منحصر به شهرهای بزرگ، مناطق دوردست و روستاها محروم از بسیاری از خدمات، برنامه‌هایش سوق به فساد و بی‌بندوباری و دارای انواع عقب‌ماندگی‌ها در صنعت، سیاست، معنویت، فضیلت و نداشتن تجربه انقلابی، درحالی‌که همه چیز علیه حرکت انقلابی مسلمانان بود، به گونه‌ای که با کشتن و زندان کردن و تهدید و شکنجه، همه صداها را خفه می‌کردند.

۲. توجه به نوآوری‌ها

قرآن بارها خداوند را به دلیل نوآوری در زمین و آسمان‌ها و خلق جدید ستایش کرده است: ﴿بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾^۱ و گاهی با کلمه «أَنْشَأَ» به نوآوری اشاره کرده است: ﴿وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ﴾^۲ در انقلاب اسلامی ایران، انواع نوآوری‌ها و ابتکارات را می‌بینیم که از جمله می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

۱. برآمدن انقلاب از ایمان و معرفت اسلامی؛

۲. طرح دین و دنیا در کنار هم؛

۳. شکستن چهارچوب‌های کلیشه‌ای تقسیم قدرت در جهان که در گذشته یا باید شرقی می‌بودند، یا غربی؛

۴. شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی که در هریک از این سه کلمه معانی والایی نهفته است.

البته نوآوری ممکن است توسط قوم ستمگر باشد: ﴿لَمْ يَخْلُقْ مِثْلَهَا فِي الْبِلَادِ﴾^۳ یعنی قوم عاد در ساختمان‌سازی ابتکار داشتند؛ اما هر

۱. «خدا ایجادکننده آسمان‌ها و زمین است» (بقره، ۱۱۷؛ انعام، ۱۰۱).

۲. «و اوست کسی که شما را از یک نفس آفرید» (انعام، ۹۸).

۳. «هرگز مانند آن در دنیا ایجاد نشده است» (فجر، ۸).





ابتکاری ارزش ندارد و نوآوری گناه آلود، ضدارزش است. قرآن درباره قوم لوط می‌فرماید آن‌ها در گناه نوآور بودند: ﴿مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ﴾^۱؛ همان گونه که نوآوری، اگر منطبق بر وحی نباشد، بدعت و حرام است.

آری، نباید به بهانه ابتکار و نوآوری و آزاداندیشی، دست به گفتن یا نوشتن چیزی به نام دین بزنییم و از فرمان خدا و رسول جلو بیفتیم.

۳. استقلال

قرآن درباره استقلال می‌فرماید ما قبله را تغییر دادیم تا یهود بر شما منت نگذارد که شما در قبله تابع مایید و استقلال ندارید: ﴿لَئِنَّا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ...﴾^۲ از نگاه قرآن، مسلمانان باید از تمام جهات سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی، از استقلال کامل برخوردار باشند: ﴿لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾^۳.

قرآن از کسانی که حتی در فکر و عقیده استقلال ندارند، به شدت انتقاد کرده است. منافقان استقلال فکر و عقیده ندارند. آن‌ها به هر جهتی می‌چرخند، به دیگران وابسته‌اند و بی‌هدف سرگردان‌اند: ﴿مُدْبِذِينَ بَيْنَ ذَلِكِ﴾^۴.

کسی که به خدا و پیامبر ﷺ ایمان قلبی داشته باشد، حاضر نیست ولایت غیرالهی را بپذیرد: ﴿لَوْ كَانُوا يَوْمِنُونَ... مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ﴾^۵

۱. [لوط به قوم خود گفت: هیچ‌یک از جهانیان در انجام آن [عمل قبیح] بر شما سبقت نگرفته است] (اعراف، ۸۰؛ عنکبوت، ۲۸).

۲. «تا برای مردم بر شما حجتی نباشد...» (بقره، ۱۵۰).

۳. «خداوند برای کافران بر مؤمنان راهی قرار نداده است» (نساء، ۱۴۱).

۴. «میان آن [دو گروه] دودل هستند. [نه با کفارند و نه با مسلمانان]» (نساء، ۱۴۳).

۵. «اگر [به خدا و رسول] مؤمن بودند...، ایشان را به دوستی نمی‌گرفتند» (مائده، ۸۱).





آری، راه رسیدن به استقلال واقعی و رهایی از سلطه کفار، ایمان است. آنان که در راه و خط خدایند، نباید از منحرفان کمک بگیرند و باید استقلال سیاسی و اقتصادی خود را حفظ کنند: ﴿مَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا﴾^۱.

در قرآن می‌خوانیم که رهبر جامعه اسلامی هم باید استقلال رأی داشته باشد و گرفتار فضا سازی ها و جوسازی ها و فشارهای داخلی و خارجی نشود: ﴿لَوْ يُطِيعُكُمْ... لَعَنِتُمْ...﴾^۲.

۴. آزادی

آزادی از سلطه طاغوت‌ها، از بزرگ‌ترین نعمت‌هاست؛ چنان‌که خداوند در میان همه نعمت‌ها، نام آن را برده است: ﴿نَجَّيْنَاكُمْ﴾^۳. جنگ‌های اسلامی، یا برای دفاع است یا برای برداشتن ستمگرانی که مانع انتخاب آزادانه راه حق می‌شوند. قرآن می‌فرماید: ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ﴾^۴ (و با آن‌ها بجنگید تا فتنه [بت‌پرستی و سلب آزادی از مردم] باقی نماند.) و در جای دیگر می‌خوانیم: ﴿فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ﴾^۵ (پس با پیشوایان کفر بجنگید.)

فرعون به مؤمنان گفت: ﴿أَمِنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ﴾^۶ (چرا بدون اذن من به موسی ایمان می‌آوردید؟) آری، در استعمار فرهنگی حکومت‌ها، آزادی اندیشه و حق انتخاب عقیده از مردم سلب می‌شود. فرعون می‌گفت: ﴿مَا

۱. «من آن نیستم که گمراه‌کنندگان را به باری بگیرم» (کهف، ۵۱).

۲. «اگر از شما پیروی کند... قطعاً دچار زحمت می‌شوید...» (حجرات، ۷).

۳. بقره، ۴۹.

۴. «پس آنان [دشمنان جنگجو] را بکشید تا فتنه‌ای نباشد» (بقره، ۱۹۳؛ انفال، ۳۹).

۵. توبه، ۱۲.

۶. اعراف، ۱۲۳.





أَرِيكُمْ إِلَّا مَا آرَى ﴿١﴾ (من جز آنچه تشخیص می‌دهم، راه دیگری به شما ارائه نمی‌دهم). طاغوت‌ها جز برای خود، برای هیچ‌کس حق اظهارنظر قائل نیستند.

سنت و قانون خداوند آزادگذاشتن انسان است. او می‌تواند مردم را به اجبار به راه حق ببرد؛ اما رشد واقعی در سایه آزادی است. در قرآن می‌خوانیم که اگر خدا می‌خواست، اختلاف و نزاعی میان مردم ایجاد نمی‌شد: ﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ﴾.^۲

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «وَلَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا».^۳ (بنده دیگری نباش که خداوند تو را آزاد قرار داده است). اسلام به آزادسازی مستضعفان دربند و مظلومان تاریخ سفارش کرده و بی‌توجهی به مظلومان را توبیخ کرده است: ﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ﴾.^۴

آزادی به قدری مهم است که قبل از اسلام، وقتی در مکه به شخصی ظلم شد، پیغمبر با چند نفر پیمان بستند که علیه هر ظالمی بشورند. این پیمان به نام «حلف الفضول»، نوعی بیمه برای فقیران و ورشکستگان بود. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «من شاهد پیمانی بودم که برایم بسیار محبوب بود و اگر در اسلام هم برای پیوستن به چنان پیمان‌نامه‌ای دعوت شوم، اجابت می‌کنم».^۵

یکی از اهداف انبیا، آزادسازی اسیران دربند است. حضرت موسی علیه السلام به

۱. غافر، ۲۹.

۲. مائده، ۴۸.

۳. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۴. «چهارتن است که در راه خدا و مستضعفان نمی‌جنگید؟!» (نساء، ۷۵).

۵. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۲۵۶.



فرعون گفت: ﴿فَارْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ﴾.^۱ البته اگر کسی خواست از آزادی سوءاستفاده کند، باید او را از کار بازداشت. مخالفان حضرت شعیب علیه السلام به او می‌گفتند: «چرا نمی‌گذاری ما با اموال خودمان آزادانه به هر نحو که می‌خواهیم، عمل کنیم؟» آنان می‌خواستند با کم‌فروشی و ضایع کردن حق مردم و اسراف و ول‌خرجی و عیاشی، ثروت خود را مصرف کنند؛ ولی حضرت شعیب علیه السلام مانع بود. قرآن می‌فرماید قوم شعیب به ایشان گفتند: ﴿...أَصْلَاتُكَ تَأْمُرُكَ... أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ﴾.^۲

آری، مالکیت دلیل جواز هر نوع مصرف نیست. به این روایت توجه فرمایید: در صدر اسلام، مردی از خودراضی و لجوج به نام «سمره» گاه‌وبیگاه بی‌اجازه و سرزده وارد باغ محل زندگی یکی از یاران پیامبر می‌شد و مزاحم خانواده او بود. بهانه او این بود: «من در گوشه باغ درختی دارم و برای سرزدن به آن، وارد باغ می‌شوم.» صاحب باغ به سمره تذکر داد که هرگاه وارد باغ می‌شود، باید اجازه بگیرد و سرزده وارد نشود؛ اما سمره امتناع کرد. صاحب باغ نزد پیامبر آمد و از او شکایت کرد. حضرت سمره را احضار و موعظه کرد که با اجازه وارد باغ شود؛ اما او زیر بار نرفت. پیامبر از سمره خواست تا آن درخت را با درخت دیگری عوض کند یا درخت خود را در قبال دریافت مبلغی زیاد، به صاحب باغ بفروشد؛ ولی راضی به این کار هم نشد. حضرت فرمود: «از این درخت صرف نظر کن تا من در بهشت درختی را برای تو ضمانت کنم»؛ اما او لجاجت کرد و نپذیرفت. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دانست که بنای او بر لجاجت است. به صاحب باغ دستور داد که درخت را از ریشه بکند و جلوی سمره بیندازد^۳

۱. «بنی اسرائیل را با ما بفرست و ایشان را عذاب نکن» (طه، ۴۷).

۲. «آیا نمازت به تو دستور می‌دهد... که آنچه می‌خواهیم، در اموالمان انجام ندهیم؟!» (هود، ۸۷).

۳. محمدبن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج ۵، ص ۲۹۲؛ محمدبن حسن حرّ عاملی، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، ج ۲۵، ص ۴۲۸.



و فرمود: «لا صَرَّرَ وَلَا ضَرَّرَ [فِي الْإِسْلَامِ]»؛^۱ یعنی کسی نمی‌تواند به بهانه مالکیت شخصی، سبب ایجاد مزاحمت و سلب آزادی دیگران شود. این جمله برای فقها سند محکمی برای بسیاری از فتواها و مسائل حقوقی است. یک فلسفه مهم بعثت انبیا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، طاغوت زدایی، آزادسازی و رهاکردن انسان‌ها از قید بندگی دیگران است. قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾.^۲ آری، دعوت به توحید و دوری از طاغوت، در رأس برنامه همه پیامبران بوده است. خداپرستی با پذیرش سلطه طاغوت‌ها و ستمگران نمی‌سازد و با ایمان و عبادت و اتصال به خداوند، انسان قدرت مبارزه با طاغوت‌ها را پیدا می‌کند.

در قرآن مجید بارها به مسئله آزادی انسان‌ها در انتخاب راه و عقیده اشاره شده است و آمده ای پیامبر، تو جبار نیستی تا مردم را به اجبار به راه حق دعوت کنی: ﴿... لَسْتُ عَلَيْهِمْ بِمُصِيطِرٍ﴾،^۳ ﴿مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ﴾،^۴ ﴿مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ﴾،^۵ ﴿أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ﴾،^۶ ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾،^۷ ﴿إِنَّ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ﴾^۸ و ﴿قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ﴾.^۹

مخفی نماند که بعضی آزادی را بی‌اعتنایی و ولنگاری و هرج و مرج معنا می‌کنند؛ درحالی‌که آزادی به این معنا، گرچه ممکن است موقتاً به سود افراد عیاش باشد، مانع اخلاق اجتماعی و آزادی اجتماعی و رشد معنوی

۱. محمدبن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج ۵، ص ۲۹۲؛ محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، معانی الاخبار، ص ۲۸۱.

۲. «و به تحقیق در هر امتی، رسولی فرستادیم [و گفتیم] خدا را عبادت کنید و از طاغوت بپرهیزید» (نحل، ۳۶).

۳. «... تو بر مردم مسلط نیستی» (غاشیه، ۲۲).

۴. «تو بر مردم تسلطی نداری» (ق، ۴۵).

۵. «وظیفه رسول و پیامبر فقط ابلاغ [و گفتن] است» (مائده، ۹۹).

۶. «آیا این تویی که مردم را وادار می‌کنی [ایمان بیاورند]؟» (یونس، ۹۹).

۷. «در دین، اجباری نیست» (بقره، ۲۵۶).

۸. «تو فقط هشداردهنده‌ای» (فاطر، ۲۳).

۹. «بگو: من نگره‌بان شما نیستم» (انعام، ۶۶).





است. کودک نیز دوست دارد آزادانه هرچه می‌خواهد بخورد؛ غافل از اینکه این آزادی در خوردن، کاری منفی است و باعث آسیب به جسم یا محروم کردن دیگران از حقشان می‌شود.

چشم‌چرانی نوعی آزادی است؛ ولی مرد چشم‌چران، همسر و زندگی خود را با کسانی که در خیابان دیده است، مقایسه می‌کند و خودش را ناراضی، اخلاقی را تند و زندگی‌اش را تلخ و گاهی متلاشی خواهد کرد.

۵. جمهوری اسلامی

در این عبارت، هم به آیه **﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾**^۱ عمل شده و هم به دستورهای الهی. در جمهوری اسلامی، هم عزت نهفته است تا هر فرد در هر انتخاباتی نظر خود را بدون هیچ‌گونه فشار و تهدیدی اعمال کند و هم عقلانیت و توجه به افکار عمومی و هم برابری به معنای واقعی: هر نفر فقط یک رأی دارد و رأی هیچ‌کس بر رأی دیگری مقدم نیست.

در بعضی از کشورهای دنیا رأی مردم هست؛ ولی قانون خدا نیست. اما در جمهوری اسلامی، ترکیب جمهوریت و اسلامیت، نخستین قلّه درخشش انقلاب است. وارد کردن عنصر اراده ملی به کانون مدیریت کشور با حضور امت در همه صحنه‌های مدیریتی، از مزایای جمهوری اسلامی است.

۶. تقابل اسلام و استکبار

در دنیای امروز، رویارویی‌ها بر اساس نژاد، لهجه، سرمایه، سیاست و امثال آن است؛ ولی در فرهنگ اسلام، رویارویی میان اسلام و کفر، اسلام و استکبار، اسلام و استثمار و استعمار، عدالت و ظلم، مشورت و استبداد است.

۱. «و در کار [جنگ] با ایشان مشورت کن» (آل عمران، ۱۵۹).





۷. توجه به نعمت‌های خاص

بعضی از نعمت‌های الهی عام است؛ نظیر علم، قدرت، وحدت، صنعت و سیاست؛ ولی بعضی از نعمت‌های الهی خاص است. در انقلاب اسلامی ما انواع مزایای خاص دیده می‌شود؛ از جمله:

۱. بزرگ‌ترین، موفق‌ترین، فعال‌ترین، ریشه‌دارترین انقلاب عصر جدید، انقلابی ایرانی، ملی، دینی، پیشرو و درخشان؛
۲. مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید؛
۳. تنها انقلاب بدون خیانت به آرمان‌هایش پس از یک چلّه پرافتخار؛
۴. صیانت‌کننده از کرامت خود؛
۵. صیانت‌کننده از اصالت شعارهای خود؛
۶. پدیده‌ای زنده؛
۷. قدرتمند؛
۸. مهربان؛
۹. باگذشت؛
۱۰. باشکوه؛
۱۱. بااراده؛
۱۲. با صداقت؛
۱۳. با صراحت؛
۱۴. با اقتدار؛
۱۵. با مرّوت و جوانمردی؛
۱۶. با دامنه عمل جهانی و منطقه‌ای؛
۱۷. همراه مظلومان جهان؛
۱۸. فاصله‌نگرفتن از ارزش‌های آمیخته با ایمان دینی مردم به هیچ





بهبانهای؛

۱۹. دچار نشدن به رکود و خموشی پس از نظام‌سازی؛
۲۰. مرتکب نشدن به افراط‌ها؛
۲۱. مرتکب نشدن به چپ‌روی‌ها؛
۲۲. شلیک نکردن اولین گلوله حتی به آمریکا و صدام؛
۲۳. دفاع پس از حمله دشمن؛
۲۴. فرود آوردن ضربت متقابل محکم بر دشمن؛
۲۵. ایستادگی در برابر زورگویان و گردن‌کشان با صراحت و شجاعت؛
۲۶. دفاع از مظلومان و مستضعفان با صراحت و شجاعت؛
۲۷. انعطاف‌پذیر؛
۲۸. آماده تصحیح خطاها؛
۲۹. مواجهه ایجابی با نقدها؛
۳۰. ثبات و امنیت و تمامیت ارزی و حفاظت از مرزها؛
۳۱. شکسته شدن ابهت قلدران و مستکبران؛
۳۲. مشارکت مردمی در مسائل سیاسی؛
۳۳. گام برداشتن به سوی عدالت؛
۳۴. افزایش عیار معنویت جامعه.

۸. پاک‌سازی و طرد افراد نفوذی

در طول تاریخ، عوامل نفوذی با اسم‌های مختلف از جمله به نام دیپلمات، خطرناک‌ترین جاسوس‌های اعزامی به کشورها بوده‌اند. به نام مستشار نظامی، توطئه‌گری کرده و به اسرار نظامی دست یافته‌اند. به نام حقوق بشر، از مزدوران خود حمایت کرده‌اند و به نام دارو، برای مزدوران خود





اسلحه فرستاده‌اند. به نام کارشناس اقتصادی، کشورهای ناتوان را ضعیف نگه داشته‌اند. به نام سم پاشی، باغ‌ها و مزارع را از بین برده‌اند و حتی به نام اسلام شناس، اسلام را وارونه جلوه داده‌اند.

ولی انقلاب اسلامی به قرآن عمل کرد: ﴿... لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ﴾^۱ (... از غیر خودتان، [دوست و] هم‌راز نگیرید.) ﴿بِطَانَةٍ﴾ به لباس زیر گفته می‌شود که به بطن و شکم می‌چسبد. این کلمه، کنایه از محرم اسرار است. براین اساس، نباید بیگانگان را محرم اسرار خویش قرار دهیم. وجود مستشاران خارجی در کشورهای اسلامی ممنوع است و رازداری و وظیفه‌ای قطعی است. هر مسلمانی هم که مصداق ﴿دُونِكُمْ﴾ باشد، نباید محرم اسرار قرار گیرد؛ زیرا در میان مسلمانان نیز افراد فتنه‌جو و جاسوس کم نیستند. ملاک دوستی و روابط صمیمانه مسلمانان با سایر جوامع باید ایمان باشد.

از وظایف هر مسلمان آن است که دست‌نشانده‌ها و عناصر خائن را شناسایی کند و در مقام طرد و حذف آنان گام بردارد. در قرآن می‌خوانیم که در میان مسلمانان، افراد نفوذی بودند: ﴿وَفِيكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ﴾^۲ در میان مسلمانان افرادی هستند که امور را گاهی با بزرگ‌نمایی و گاهی با کوچک‌نمایی، وارونه نشان می‌دهند: ﴿وَقَلْبُوا لِكَ الْأُمُورِ﴾^۳. تحریف واقعیت‌ها و گزارش‌های جعلی برای رهبر، کار منافقان است و رهبر امت اسلامی باید هوشیار باشد و به هر گزارشی اعتماد نکند. قرآن این افراد را دشمن واقعی می‌داند: ﴿هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ﴾^۴ (آنان دشمن [تو]

۱. آل عمران، ۱۱۸.

۲. «و در میان شما کسانی هستند که به آن‌ها بسیار گوش می‌کنند» (توبه، ۴۷).

۳. «و امور را برای تو وارونه کردند» (توبه، ۴۸).

۴. منافقون، ۴.



هستند؛ پس از آن‌ها برحذر باش.)

در آیه، عبارت ﴿هُمُ الْعَدُوُّ﴾ آمده است؛ یعنی دشمن واقعی این افرادند؛ زیرا اولاً درون جامعه‌اند و از اسرار مسلمانان آگاه‌اند؛ ثانیاً چون در لباس دوست هستند، شناخت آنان مشکل است؛ ثالثاً چون ناشناخته‌اند، مبارزه با آنان سخت‌تر است؛ رابعاً چون پیوندهای نسبی و سببی با مسلمانان دارند، برخورد با آنان پیچیده‌تر است و خامساً ضربهٔ آنان غافل‌گیرانه‌تر است.

۹. عزت

مسلمانان باید باور کنند که تمام عزت از آن خدا و رسول و مؤمنان است: ﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾.^۱ امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند: «خداوند تمام امور مؤمن را به خودش واگذار کرده؛ ولی اجازهٔ ذلیل کردن خود را به او نداده است.»^۲

اما در چند حدیث، به اینکه مؤمن چگونه خود را خوار می‌کند، اشاره شده است. از جمله امام صادق علیه السلام در دو روایت فرمودند:

«يَتَعَرَّضُ لِمَا لَا يُطِيقُ»^۳ و «يَدْخُلُ فِيهَا يَعْتَدِرُ مِنْهُ»^۴

ناگفته پیداست که معنای «عزت»، داشتن ثروت و قدرت نیست؛ بلکه صلابت و نفوذناپذیری است. به زمین سخت می‌گویند: «أَرْضٌ عَزَازٌ»^۵ یعنی بیل و کلنگ در آن فرو نمی‌رود. کلمهٔ «عزیز» از این ریشه گرفته شده است و اینکه امامان معصوم علیهم السلام در منابع روایی فرموده‌اند مؤمن عزیز

۱. منافقون، ۸.

۲. «... وَلَمْ يُعْوَضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا» (محمدبن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج ۵، ص ۶۳).

۳. «کارهایی می‌کند که توانش را ندارد؛ [در نتیجه خوار می‌شود]» (محمدبن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج ۵، ص ۶۴).

۴. «وارد می‌شود در آنچه [از انجامش معذور است] و باید از آن عذر بخواهد» (محمدبن حسن طوسی (شیخ الطائفة)، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۸۰).

۵. حسین‌بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۵۱۳.





است؛^۱ یعنی حاضر نیست با هیچ‌گونه تهدید و تطمیع از منطق و راه خود دست بردارد، یا در مقابل دشمن کوتاه بیاید یا سازش و عقب‌نشینی کند. ممکن است فردی مثل اباذر بدون داشتن امکانات و قدرت، بر سر فردی مثل معاویه فریاد بکشد.^۲ این‌گونه افراد عزیزند. در مقابل، افرادی هستند که امکانات زیادی دارند؛ ولی بازهم بر اثر ترس یا طمع، از موضع خود عقب‌نشینی می‌کنند. این‌گونه افراد ذلیل‌اند؛ حتی اگر همه چیز داشته باشند.

قبل از انقلاب اسلامی، آمریکا و دست‌نشانده‌های او برای مردم تصمیم می‌گرفتند. حتی امروز سران بعضی کشورها با حمایت‌های آمریکا جابه‌جا می‌شوند. ولی با لطف الهی، پس از انقلاب و جان‌فشانی‌ها، حتی یک فرد از مسئولان یک شهر و روستا را نمی‌توانند تعیین کنند. انقلاب اسلامی بود که با تشکیل حکومت مردمی و مردم‌سالاری و اراده ملی و ترویج فرهنگ «ما می‌توانیم» و اتکا به توانایی داخلی و امثال آن، برای ایران عزت‌آفرینی کرد.

۱۰. توجه به نقش جوانان

جوانان می‌توانند با داشتن همت بلند، امید، هوشیاری، سرعت‌عمل، ابتکار، عمل جهادی، روحیه انقلابی، برادری و ایثار، همراه با ذکر و دعا و شجاعت، از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته آن در مقابل دولت‌های متکبر و مستکبر پاسداری کنند و برای مقابله با سبک زندگی غربی، گام‌های بلندی بردارند. همچنین جوانان ما حماسه‌آفرین، عدالت‌دوست، استوار، مسئولیت‌پذیر، پیشگام، تسخیرکننده قله‌های

۱. نک: محمدبن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج ۵، ص ۶۳.

۲. نک: عبدالحمیدبن هبة‌الله بن ابی‌الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه لابن ابی‌الحدید، ج ۸، ص ۲۵۶ تا ۲۵۸.



علمی، ناکام‌کننده دشمن و آماده برداشتن گام‌های بلند و فعال در میدان‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بین‌المللی اند و در عرصه دین و اخلاق و معنویت، با درس گرفتن از تجربه‌ها و با نگاه انقلابی و جهادی، مانع ویژه‌خواران و دشمن فریب‌کاران و حامی مستضعفان اند.

قرآن به نوجوانان سفارش می‌کند که در مصالح و مفاصد جامعه، خود را دخالت دهند: ﴿يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَآمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾^۱ یعنی نوجوان می‌تواند به معروف‌ها امر و از منکرها نهی کند. این عمل نشانه آن است که نوجوان باید هم بفهمد، هم تشخیص دهد، هم فریاد بکشد، هم شجاع باشد، هم متعهد باشد؛ وگرنه بدون این‌ها نمی‌تواند امر و نهی کند.

در بعضی آیات می‌خوانیم که حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام به پدر یا عموی خود می‌گفت: ﴿يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا﴾^۲ (ای پدر، چرا چیزی را می‌پرستی که نمی‌شنود و نمی‌بیند و تو را از هیچ چیز بی‌نیاز نمی‌کند؟) آری، نهی از منکر مرز سنی ندارد. پسر می‌تواند بزرگ خانواده را نهی کند؛ اما باید احترامش را حفظ کند. همیشه کمال افراد به سن آن‌ها بستگی ندارد؛ گاهی فرزند خانه از بزرگ‌ترها بهتر می‌فهمد.

قرآن به سوره یوسف نام «أَحْسَنَ الْقَصَصِ» (بهترین سرگذشت‌ها) داده است.^۳ شاید برای این باشد که محور این سوره، نوجوانی به نام یوسف است. در سیره پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌خوانیم که مسئولیت تبلیغ اسلام در مدینه را به جوانی به نام مُصعب واگذار کرد^۴ و فرمانده نظامی لشکر، شخصی به

۱. «پسرم، نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن» (لقمان، ۱۷).

۲. مریم، ۴۲.

۳. «ما نیکوترین سرگذشت را به‌موجب این قرآن، بر تو حکایت می‌کنیم» (یوسف، ۳).

۴. نک: محمدبن جریر بن رستم طبری املی مازندرانی، تاریخ الطبری: تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، ص ۳۵۹.





نام اسامه بن زید بود با هجده سال سن.^۱ در قرآن می خوانیم که مسئولیت تطهیر مسجد الحرام به سالمندی به نام ابراهیم و نوجوانی به نام اسماعیل واگذار شد: ﴿... طَهَّرَا بَيْتِي...﴾.^۲

قرآن در بیان کمالات، سالمند و نوجوان را در کنار هم تجلیل می کند و می فرماید ابراهیم و اسماعیل هر دو با هم تسلیم فرمان خدا شدند: ﴿فَلَمَّا أَسْلَمَا وَ تَلَّهَ لِلْجَبِينِ﴾.^۳ امام حسین علیه السلام نیز در کربلا، هم جوانان و هم نوجوانان را با خود برد.

در انقلاب ایران، حضور جوانان در راه پیمایی ها، جبهه ها، بازسازی ها، تشکیل مراکز امدادی و خدماتی از یک سو و پیشرفت و توسعه دانشگاه ها و فناوری ها از سوی دیگر و توجه به معنویاتی از قبیل اقامه نماز در مدارس آموزش و پرورش و دانشگاه ها و رشد مسئله اعتکاف و حفظ قرآن، بر هیچ منصفی پوشیده نیست.

رونق معنوی را باید در زائران مکه و کربلا و مشهد و جمکران و شرکت در مسابقات دینی و حضور در اردوهای جهادی و پیاده روی های اربعین و دل کندن از پدران و مادران و همسران با حضور در جبهه ها و شکرگزاری خانواده شهدا از اینکه عزیز خود را در راه خدا داده اند، پیدا کرد.

اینکه نوجوانان دیروز، امروز جوانان دانشمند و مخترعان برجسته شده اند، پدید آمدن انواع وسایل زیرساختی و داشتن صنایع پیشرفته دفاعی و رشد مسائل بهداشتی و پزشکی در عرصه های مختلف، همه در سایه انقلاب بوده است. البته جمعی فاسد و مفسد و خائن هم پیدا شدند؛

۱. نک: محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی (شیخ مفید)، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۱۸۰؛ احمد بن اسحاق یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۱۱۳.
۲. «... خانه مرا [برای طواف کنندگان و معتکفان و نمازگزاران] پاکیزه سازید» (بقره، ۱۲۵).
۳. «هنگامی که هر دو تسلیم شدند و ابراهیم پیشانی او را بر خاک نهاد...» (صافات، ۱۰۳).



ولی آمار افراد خدمتگزار امین به مراتب بیشتر از این افراد است. این رشد معنوی، مرحله نخستین خودسازی و گامی به سوی مرحله جامعه‌سازی و تمدن‌سازی است.

۱۱. پایداری

مدعیان زیادند؛ ولی همه صالح و صادق و وفادار نیستند. چه بسیارند افرادی که با خدا عهد می‌بندند اگر وضع مالی و اقتصادی‌شان خوب شود، به دیگران کمک کنند؛ ولی پس از رسیدن به مقصد، عهدشان را فراموش می‌کنند. به تعبیر قرآن: ﴿وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾^۱ (و برخی از آنان با خدا این‌گونه پیمان بسته بودند که اگر خداوند از فضل خویش به ما عطا کند، حتماً صدقه (زکات) خواهیم داد و از نیکوکاران خواهیم بود.) ﴿فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَ تَوَلَّوْا وَ هُمْ مُعْرِضُونَ﴾^۲ (پس چون خداوند از فضل خویش به آنان بخشید، بدان بخل ورزیدند و [به پیمان] پشت کردند و روی گردان شدند.)

ولی در برابر این گروه، افرادی هستند که تاپای جان از فکر و منطق و شعار خود دفاع می‌کنند. یکی از برکات جمهوری اسلامی این است که به شدت پایبند به اصول خود و مرزبندی‌اش در مقابل رقیبان و بی‌مبالاتی نکردن با خطوط اصلی خود و در عین حال منطقی بودن و متحجر نبودن و توجه به پدیده‌ها و موقعیت‌های نو است.

اسلام عنصر فقاقت را یک اصل می‌داند و به همه سفارش کرده است که در حوادث واقعه که بیشتر آن‌ها مسائل جدیدند، به فقهای عالم به زمانه

۱. توبه، ۷۵.

۲. توبه، ۷۶.





مراجعه کنید^۱ تا مسئله و تکلیف جامعه بر اساس اصولی که در اختیار فقیه است، روشن شود.

۱۲. دستاوردهای جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی کشوری مستقل و آزاد است. دستاوردهای جمهوری اسلامی را می‌توان از دو جهت بررسی کرد:

۱. اقتدار نظامی

قرآن می‌فرماید: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ﴾^۲ (و هر چه می‌توانید، از نیرو و از اسبان سواری فراهم کنید تا به وسیله این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری جز اینان که شما آنان را نمی‌شناسید و خداوند آن‌ها را می‌شناسد، بترسانید و هر چه در راه خدا [و تقویت بنیه دفاعی اسلام] انفاق کنید، پاداش کامل آن به شما می‌رسد و به شما ستم نخواهد شد.)

جالب آن است که بعد از این فرمان آماده‌باش همه‌جانبه، در آیه بعد می‌فرماید: ﴿وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾^۳ (و اگر [دشمنان] به صلح تمایل داشتند، [تو نیز] تمایل نشان بده و بر خداوند توکل کن؛ همانا او شنوا و داناست.)

۱. نک: محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۴.

۲. انفال، ۶۰.

۳. انفال، ۶۱.





نکات مهم آیه

◀ مسلمانان باید در اوج قدرت باشند تا تقاضای صلح، از سوی دشمن باشد: ﴿وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ﴾.

◀ اسلام جنگ طلب نیست: ﴿وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا﴾.

◀ فرمان جنگ و پذیرش صلح، با پیامبر خدا ﷺ و از اختیارات رهبری

جامعه اسلامی است: ﴿فَاجْنَحْ﴾ نفرمود: «فَاجْنَحُوا».

◀ در پذیرش صلح، هم احتمال خطر و توطئه هست، هم زخم زبان

برخی دوستان؛ ولی باید بر خدا توکل کرد: ﴿تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ﴾.

این آیه را باید در کنار آیه ۵۸ انفال در نظر گرفت که اگر رهبر مسلمانان با

شواهد و قراینی، یقین به خدعه دشمن در سایه صلح داشت، حساب دیگری

دارد؛ ولی در صورت احتمال حسن نیت، باید با هوشیاری آن را بپذیرد.^۱

امیرالمؤمنین علی علیه السلام به مالک اشتر می نویسد: «وَلَا تَدْفَعَنَّ صَلْحاً دَعَاكَ

إِلَيْهِ عَدُوُّكَ وَ لِلَّهِ فِيهِ رِضًا فَإِنَّ فِي الصُّلْحِ دَعَاً لَجُنُودِكَ وَ رَاحَةً مِنْ هُمُومِكَ

وَ أَمْنًا لِيَلِدَاكَ وَ لَكِنَّ الْحَذَرَ كُلَّ الْحَذَرِ مِنْ عَدُوِّكَ بَعْدَ صَلْحِهِ فَإِنَّ الْعَدُوَّ وَرَبَّمَا

قَارَبَ لِيَتَغَفَّلَ.»^۲ (هرگز صلح پیشنهادی دشمن را که خشنودی خدا در آن

است، رد مکن، که آسایش رزمندگان و آرامش فکری و امنیت شهرهایت

در صلح تأمین می گردد؛ ولی پس از صلح، به کلی از نیرنگ دشمنت برحذر

باش؛ چون چه بسا گاهی نزدیکی دشمن، برای غافل گیر کردن است!

آری، اگر ما به وظیفه خود عمل کنیم، نباید از مشکلات بترسیم؛ چون

خداوند گشاینده مشکلات است و حمایت های مردمی، به اراده خداوند در

جهت یاری شماست: ﴿أَيُّدِكَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ﴾.^۳

۱. ﴿وَ إِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ﴾ (نک: انفال، ۵۸).

۲. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۳. انفال، ۶۲.





البته اقتدار مسلمانان تنها با تجهیزات و نفرات و مهمات نیست؛ بلکه اقتداری برخاسته از ایمان به خدا و اطمینان به نصرت‌های اوست: ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ﴾^۱ و نیز با همراهی نیروهای خودی ممکن می‌شود: ﴿حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾^۲.

مؤمنان انقلابی، امیدوار به وعده‌های الهی‌اند. خداوند می‌فرماید: ﴿عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ﴾^۳ (بیست نفر با استقامت بر دویست نفر از دشمنان غلبه می‌کنند.) و حتی در برخی مواقع که ضعفی احساس شود، بازهم به خود اطمینان دارند: ﴿فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ﴾^۴ (اگر صد نفر از شما پایدار باشد، بر دویست نفر [از کفار] پیروز می‌شود و اگر از شما هزار نفر باشند، به‌اذن خدا بر دوهزار نفر [از آنان] پیروز می‌شوند.)

۲. اقتدار علمی

همان گونه که تاریخ نشان می‌دهد، مسلمانان بنیان‌گذار بسیاری از علوم بوده‌اند و امروز نیز در کشور ما هر روز گام‌هایی به جلو برمی‌دارند.^۵ قطعاً همه این افتخارات درخشان و پیشرفت‌های شگفت‌آور و رکوردداشتن در شتاب پیشرفت‌های علمی در جهان و در منطقه و کسب رتبه‌های نخست در رشته‌های حساس و نوپدید، سرآمدی در گسترش خدمات اجتماعی و

۱. «اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند» (محمد، ۷).

۲. «[ای پیامبر،] خداوند و مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند، برای حمایت تو کافی‌اند [و به حمایت‌گرفتن از دیگران نیازی نداری]» (انفال، ۶۴).

۳. انفال، ۶۵.

۴. انفال، ۶۶.

۵. «لَوْ كَانَ الْعِلْمُ مُعَلَّقًا بِالثَّرَاتِ لَتَنَاوَلَهُ قَوْمٌ مِنْ أَتْبَاءِ فَارِسَ» که در برخی نسخه‌های روایی به‌جای «الْعِلْمُ»، واژه‌های «دین» و «ایمان» نیز به کار رفته است (نک: ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحة، ص ۶۴۹؛ سیدهاشم سلیمان بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۴۳).



داشتن انگیزه‌های جهادی همراه با معنویت و اخلاق و برداشتن گام‌هایی در راه عدالت آموزشی، به واسطه جمعیت جوان کارآمد است. گرچه هنوز به عدالت آموزشی کامل نرسیده‌ایم، گام‌های بلندی به سمت آن برداشته‌ایم: بردن دانشگاه‌ها در شهرها و آوردن جوانان مستعد از شهرها به مراکز علمی، بردن علم‌آموزی در روستاها، رشد شرکت دختران در کلاس‌ها، جابه‌جایی خدمات از مرکز به همه جای کشور و رسیدن به بعضی از مسائل حساس نظیر فناوری هسته‌ای، سلول‌های بنیادی، نانو و هوافضا.

۱۳. مدیریت جهادی

مدیریت جهادی آن است که با توجه به قدرت خودی و با بی‌اعتنایی به انواع وابستگی‌ها و با شعار «ما می‌توانیم»، همراه با جوشش انقلابی و نظم سیاسی و دوری از رکود و خموشی و زورگویی و تحمیل عقیده و با داشتن روحیه فداکاری و نشاط، همراه با دادن حق تصمیم‌گیری به افراد و مشورت با آنان، کارها را پیش ببریم و مدیریت کنیم.

۱۴. عزت، حکمت، مصلحت

در همه برنامه‌ها و قراردادهای و نیز در برقراری روابط یا قطع آن‌ها، باید به اصل عزت و حکمت و مصلحت توجه کنیم؛ چراکه نبود هر یک از این سه، نقص مهمی است.

۱۵. داشته‌ها و سرمایه‌ها

قرآن کریم در سوره ابراهیم با اشاره به اینکه نعمت‌های خداوند، همچون باران، انواع میوه‌ها، رام شدن کشتی‌ها در دریا، وجود نهرها، مسخر بودن





خورشید و ماه و شب و روز، در اختیار انسان هاست که اگر بخواهند آن‌ها را بشمارند نمی‌توانند،^۱ تأکید می‌کند اگر به این داده‌ها و سرمایه‌ها توجه نشود و آن‌ها در جای خود به کار گرفته نشوند، انسان بسیار ستمگر و ناسپاس است: ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ﴾.^۲

در سایه انقلاب اسلامی، نعمت‌های بسیاری از سوی خدا بر این مردم نازل شده است که برخی از آن‌ها عبارت است از:

۱. رستاخیز علمی در کشور با پیشینه دوده‌ای و با سرعت غافل‌گیرکننده برای ناظران جهانی؛

۲. وجود هزاران شرکت دانش بنیان؛

۳. وجود میلیون‌ها تحصیل‌کرده دانشگاهی یا در حال تحصیل؛

۴. وجود هزاران واحد دانشگاهی در سراسر کشور؛

۵. شصت برابر شدن صادرات غیرنفتی؛

۶. نزدیک به ده برابر شدن واحدهای صنعتی؛

۷. ده‌ها برابر شدن صنایع از نظر کیفی؛

۸. تبدیل صنعت مونتاژ به فناوری بومی؛

۹. برجستگی محسوس در رشته‌های گوناگون مهندسی از جمله در صنایع دفاعی؛

۱۰. درخشش در رشته‌های مهم و حساس پزشکی؛

۱۱. به‌ثمر رسیدن ده‌ها طرح بزرگ راهبردی در کشور با رتبه‌های

نخستین در جهان، از قبیل چرخه سوخت هسته‌ای، سلول‌های بنیادی،

فناوری نانو، زیست‌فناوری؛

۱. نک: ابراهیم، ۳۲ تا ۳۴.

۲. ابراهیم، ۳۴.



۱۲. وجود هزاران طرح زیرساختی و ضروری برای کشور در حوزه‌های عمران، حمل و نقل، صنعت، نیرو، معدن، سلامت، کشاورزی، آب و ...

۱۶. رکود و توقف ممنوع!

با وجود آن همه داشته‌ها و این همه پیشرفت‌ها، نباید توقف کنیم:

۱. نباید فکر را کد شود؛ بلکه باید با تحصیل و تجربه و مشورت، فکر را رشد دهیم.

۲. نباید سرمایه را کد باشد و به صورت گنج (کنز) درآید.

۳. نباید علم را کد باشد؛ بلکه باید به دیگران منتقل شود.

۴. حتی بعد از رسیدن به کمالات، نباید قانع باشیم. مثلاً:

■ نباید در تحصیل خود را فارغ بدانیم؛ چراکه خداوند به پیامبرش می‌فرماید: ﴿وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾^۱

■ نباید به قیام به عدالت قانع باشیم؛ بلکه باید ﴿قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ﴾^۲ باشیم.

■ نباید به مقاومت و صبر قانع باشیم؛ بلکه باید صَبَّار (بسیار صبور) باشیم: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾^۳.

■ نباید به کمک‌های خود به محرومان قانع باشیم؛ بلکه باید دیگران را نیز تشویق کنیم: ﴿وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ﴾^۴.

■ قرآن می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا﴾^۵

درآموزه‌های دینی آمده است که رابطه ما با ولی خدا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف

۱. «و بگو: پروردگارا، دانش مرا زیاد فرما» (طه، ۱۱۴).

۲. «پیوسته به عدالت قیام کنید» (نساء، ۱۳۵).

۳. «در این، نشانه‌هایی است برای هر صبور شکرگزار» (لقمان، ۳۱؛ شوری، ۳۳؛ ابراهیم، ۵).

۴. «این همان شخص است که دیگران را به اطعام مسکین تشویق نمی‌کند» (ماعون، ۳).

۵. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ایمان خود را عمیق‌تر کنید» (نساء، ۱۳۶).





باید روزبه روز قوی تر شود؛ از جمله در دعای عهد عرض می‌کنیم: «... عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً»^۱ یعنی از مرحله تعهد به مرحله گره خوردن و پس از گره خوردن، بیعت کردن و وفاداری؛ تا آنجا که بخواهیم در راستای پیوند، جان خود را فدا کنیم.

قرآن می‌فرماید: ﴿يُنْفِقُونَ﴾^۲ ﴿يُجَاهِدُونَ﴾^۳ یعنی کمال باید استمرار داشته باشد. باید به قله‌ها دست یابیم و از مرزهای علمی عبور کنیم و با شتاب پیش برویم. و این شتاب باید ادامه یابد و این پیشرفت فقط در یکی دو شاخه نباشد؛ بلکه باید این پیشرفت در صنعت، نیرو، معدن، سلامت، کشاورزی و همه چیز باشد.

۱۷. توجه به ظرفیت‌ها

ظرفیت‌های خود را کشف کنیم و بدانیم در انسان، غریزه بی‌نهایت طلبی وجود دارد و این غریزه، گامی برای اتصال به خداست؛ چون بی‌نهایت طلب را وجود بی‌نهایت سیر می‌کند. انسان اگر به خدا وصل شد، به هدف می‌رسد و آرامش پیدا می‌کند: ﴿إِلَّا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾^۴. غیر از خدا، هیچ پست و مقامی انسان را ارضا نمی‌کند. ما از بی‌نهایت سرچشمه گرفته‌ایم و باید به آن برسیم: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾^۵. از سجده ملائکه بر انسان^۶ و آیه ﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا﴾^۷ و نیز

۱. «پیمان و بیعت [خود با حضرت مهدی را که بر عهده‌ام است، تجدید می‌کنم]» (نک: عباس قمی، کلیات مفاتیح‌الجنان، ص ۸۱۵، دعای عهد).

۲. این واژه بیست بار در قرآن کریم به کار رفته است (نک: بقره، ۳ و ۲۶۱ و ۲۷۴؛ آل عمران، ۱۳۴ و...).

۳. مانده، ۵۴.

۴. «همانا یاد خدا موجب آرامش دل‌هاست» (رعد، ۲۸).

۵. «ما از خداییم و به سوی او بازمی‌گردیم» (بقره، ۱۵۶).

۶. نک: بقره، ۳۴.

۷. «و [خدا] همه [معانی] نام‌ها را به آدم آموخت» (بقره، ۳۱).





آیاتی نظیر: ﴿خَلَقَ لَكُمْ﴾^۱، ﴿سَخَّرَ لَكُمْ﴾^۲ و ﴿مَتَاعَ لَكُمْ﴾^۳ که اشاره می‌کند تمام هستی برای انسان آفریده شده است، به ظرفیت خود پی می‌بریم. این ظرفیت جز به دست رهبری معصوم هدایت نمی‌شود. آری، گذاشتن دست انسان با این همه ظرفیت و استعداد در دست غیرمعصوم، ظلم به انسانیت است. امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ أَبْدَانَكُمْ لَيْسَ لَهَا تَمَنُّ إِلَّا الْجَنَّةَ فَلَا تَبِيعُوهَا بَعِيْرَهَا»^۴ (همانا بدن‌های شما جز بهشت، بهایی ندارند؛ پس آن‌ها را به چیز دیگر ن فروشید.)

اینک به مرور ظرفیت‌ها در سه محور انسانی و مادی و انقلاب اسلامی می‌پردازیم:

الف . ظرفیت‌های انسانی

۱. وجود نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی؛
۲. جمعیت جوان زیر چهل سال؛
۳. وجود چهارده میلیون نفر دارای تحصیلات عالی؛
۴. رتبهٔ دوم جهان در دانش‌آموختگان علوم مهندسی؛
۵. وجود انبوه جوانانی با روحیهٔ انقلابی و آمادهٔ تلاش جهادی؛
۶. بالاتر بودن استعداد علم و تحقیق ملت ایران از متوسط جهانی؛
۷. وجود جمع چشم‌گیر جوانان محقق و دانشمند شاغل در آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و ...

۱. بقره، ۲۹.

۲. جائیه، ۱۳.

۳. نور، ۲۹.

۴. محمدبن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج ۱، ص ۱۹.





ب. ظرفیت‌های مادی

۱. داشتن ۷ درصد ذخایر معدنی جهان با وجود ۱ درصد جمعیت جهان؛
۲. منابع عظیم زیرزمینی؛
۳. موقعیت استثنایی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب؛
۴. بازار بزرگ ملی؛
۵. بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت؛
۶. سواحل دریایی طولانی؛
۷. حاصل خیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی؛
۸. اقتصاد بزرگ و متنوع.

ج. ظرفیت‌های انقلاب اسلامی

۱. مدیریت جهادی، الهام گرفته از ایمان اسلامی و اصل «ما می‌توانیم»؛
۲. نرم‌افزار تبدیل ظرفیت‌ها به مؤلفه‌های قدرت؛
۳. وجود انسان‌های غالباً جوان با رتبه‌های رفیع انسانیت، با ویژگی‌هایی از قبیل شجاعت، فداکاری، پیش‌روی و...؛
۴. وجود جوانان زنده‌کننده ماجراهای صدر اسلام، با ویژگی‌هایی از قبیل: دل‌های مستعد و نورانی، ذکر و دعا، روحیه برادری، روحیه ایثار و مجاهدت در میدان‌های سخت و... .

۱۸. نگاهی به تفاوت‌ها

تفاوت کاملاً معنادار چالش‌های پیش‌روی انقلاب در سال ۱۳۵۷ با چالش‌های ۱۳۹۷:



۱. چالش ایران با آمریکا

- ۱۳۵۷: کوتاه‌کردن دست عمّال بیگانه، تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی، رسواکردن لائۀ جاسوسی آمریکا؛
- ۱۳۹۷: حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی، برجیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا در غرب آسیا، حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی، دفاع از پرچم حزب‌الله و مقاومت در سراسر منطقه.

۲. چالش غرب با ایران

- ۱۳۵۷: جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی توسط ایران؛
- ۱۳۹۷: جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته ایرانی به نیروهای مقاومت.

۳. تصور آمریکا از ایران

- ۱۳۵۷: تفوّق بر نظام اسلامی و ملت ایران با چند ایرانی خودفروخته یا چند هواپیما و بالگرد؛
 - ۱۳۹۷: نیاز به ایجاد یک ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند یا مرعوب برای مقابلهٔ سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی.
- تفاوت‌های پیش‌گفته، انسان را به یاد تفاوت‌های حق و باطل در قرآن می‌اندازد:
- ◀ روزی [پیامبر ﷺ و] مسلمانان در مکه امنیت نداشتند^۱ و امروز اسلام تقریباً در همهٔ دنیا مطرح است.

۱. نک: انفال، ۳۰؛ نحل، ۴۱ و ۴۲.





◀ روزی امام حسین علیه السلام یک زائر بیشتر نداشت: جابر بن عبدالله انصاری^۱ و امروز میلیون ها زائر دارد.

◀ روزی مردم را از شنیدن قرآن منع می کردند: ﴿لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ﴾؛^۲ ولی قرآن بارها وعده داده است که اسلام بر همه ادیان و مذاهب غلبه پیدا خواهد کرد؛ گرچه کافران و مشرکان آن را خوش نداشته باشند: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾.^۳

این نوع وعده ها در قرآن مکرر آمده است تا مردم باور کنند که می شود یوسفی از ته چاه به حکومتی برسد،^۴ کودکی یتیم، پیامبر شود^۵ و همه طاغوت های ستمگرا تهدید کند، کشوری بدون وابستگی به شرق و غرب و با شعار نه شرقی و نه غربی پیروز شود و از گردنه های سخت عبور کند.

در قرآن می خوانیم: ﴿... كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾^۶ یعنی وعده پیروزی حق بر باطل^۷ سابقه دارد و اگر خدا بخواهد، کودکی مثل موسی را در آب حفظ^۸ و فرعون را در همان آب غرق می کند.^۹

۱۹. توجه به شباهت ها و نمونه های تاریخی

گاهی اوقات ممکن است مسائل و حوادث برای بعضی، مهم یا سخت یا محال جلوه کند. قرآن این مسئله را با بیان نمونه های تاریخی حل می کند تا دل ها آرام گیرد. اگر بدانیم مسائلی که برای ما پیش می آید، در طول تاریخ

۱. محمد بن حسن طوسی (شیخ الطائفة)، مصباح المتبهج، ج ۲، ص ۷۸۷.

۲. «به این قرآن گوش ندهید» (فصلت، ۲۶).

۳. توبه، ۳۳؛ صف، ۹.

۴. نک: یوسف، ۱۰ و ۵۴ و ۵۶.

۵. نک: فصلت، ۲۶.

۶. «... همان گونه که پیشینیان آن ها را جانشین [خود] قرار داد» (نور، ۵۵).

۷. نک: اسراء، ۸۱.

۸. نک: قصص، ۱۳ تا ۱۷.

۹. نک: یونس، ۹۰.





مشابهات فراوان داشته است، حل کردن آن‌ها برای ما آسان می‌شود؛ مثلاً:
 ◀ دستور روزه گرفتن در امت‌های پیشین نیز بوده است: ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ
 الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ﴾^۱ (ای کسانی که ایمان
 آورده‌اید، [روزه بر شما مقرر شد؛ همان گونه که بر پیشینیان شما مقرر شده
 بود.)

◀ اگر بدانیم شکست‌ها و رنج‌های جبهه و جنگ برای دشمنان نیز
 هست، سختی‌های جهاد آسان می‌شود: ﴿فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ﴾^۲.
 ﴿إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ﴾^۳.
 ◀ در مشکلات می‌توان از افراد صابر الگو گرفت. خداوند به پیامبرش
 می‌فرماید: ﴿فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ﴾^۴.

◀ به فرموده قرآن، زخم‌زبان‌هایی که به پیامبر ﷺ و یارانش زده
 می‌شد، به پیامبران و مؤمنان قبل از آن‌ها نیز گفته می‌شد: ﴿مَا يُقَالُ لَكَ
 إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ﴾^۵. ﴿وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ
 يَسْتَهْزِئُونَ﴾^۶، ﴿فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَصْحَكُونَ﴾^۷.

◀ برخورد قاطع با شایعه‌پراکنانی که در مردم اضطراب و دلهره ایجاد
 می‌کنند، در ادیان دیگر نیز بوده است: ﴿سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ
 قَبْلُ﴾^۸، ﴿فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾^۹؛ یعنی ای پیغمبر،
 اگر گروهی از دین‌سریچی کردند، ناراحت نباش، که افراد مشابهی

۱. بقره، ۱۸۳.

۲. «آن‌ها نیز همانند شما درد و رنج می‌بینند» (نساء، ۱۰۴).

۳. «اگر به شما جراحی می‌رسد، پس قطعاً به گروه کفار نیز زخمی همانند آن رسیده است» (آل عمران، ۱۴۰).

۴. «پس صبر کن؛ همان گونه که پیامبران اولوالعزم صبر کردند» (احقاف، ۳۵).

۵. «ای پیامبر، به تو گفته نمی‌شود جز آنچه به پیامبران قبل از تو نیز گفته شده است» (فصلت، ۴۳).

۶. «و هیچ پیامبری برایشان نمی‌آمد، مگر آنکه به استهزای او می‌پرداختند» (حجر، ۱۱).

۷. «و امروز، مؤمنان به کافران می‌خندند» (مطفین، ۳۴).

۸. «این [سنت خداست که قبلاً در میان گذشتگان] معمول بوده است» (احزاب، ۳۸).

۹. «به‌زودی خدا گروهی [دیگر] را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند» (مائده، ۵۴).





به جای آنان ایمان می آورند.

◀ همواره در مقابل گروهی بخیل، افرادی سخاوتمند وجود دارند: ﴿وَ
إِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ﴾^۱.

راه تشکر از این همه نعمت، این است که ما در راه تکامل این نعمت‌ها از مرحله خودسازی به مرحله جامعه‌پردازی و سپس به مرحله تمدن‌سازی برویم و برای انقلابی جهانی به رهبری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف آماده باشیم. به جای افکار غلطی که می‌گویند باید حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف بیاید تا جامعه را بسازد، می‌گوییم ما جامعه را می‌سازیم تا حضرت تشریف بیاورد؛ همان گونه که در شب تاریک چراغی روشن می‌کنیم و منتظریم خورشید طلوع کند و در سرما کاشانه‌مان را گرم می‌کنیم و منتظر می‌مانیم بهار فرابرسد.

امام صادق علیه السلام به نقل از امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید انتظار ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف یک عمل است:^۲ تمدن‌سازی برای ظهور آن حضرت! طبق مضمون روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام، دانش بشر ۲۷ حرف است که تا ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف تنها ۲ حرف از آن پیامبران می‌آوردند و حضرت پس از ظهور و حضورش، ۲۵ حرف دیگر را بیرون می‌آورد و آن را بین مردم نشر می‌دهد.^۳

۲۰. توجه به بایدهای پیش رو

باید بدانیم دشمنان برای ما مشکلات جان‌فرسا ایجاد کرده و خواهند کرد.

۱. «و هرگاه [از انفاق کردن] سرپیچی کنید [و بخل بورزید]، خداوند گروه دیگری را به جای شما می‌آورد؛ پس آن‌ها مانند شما نخواهند بود [و سخاوتمندانه در راه خدا انفاق می‌کنند]» (محمد، ۳۸).

۲. احمدبن محمدبن خالد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۲۹۱.

۳. «أَلَيْسَ سَبْعَةً وَ عَشْرُونَ حَرْفًا... فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخُمْسَةَ وَ الْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَيَّنَّهَا فِي النَّاسِ» (نک: سعیدبن هبة الله قطب‌الدین راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۴۱؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۶).





باید صبور باشیم و با هوشیاری و تدبیر از آن‌ها عبور کنیم؛ همان گونه که دشمنان انبیا این مشکلات را برای ایشان پیش می‌آوردند. قرآن می‌فرماید:

﴿وَكَايْنٌ مِّنْ نَّبِيِّ قَاتَلْ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾^۱ (و چه بسیار پیامبرانی که همراهشان، خداپرستان بسیاری جنگیدند؛ پس برای آنچه در راه خدا به آنان رسید، نه سستی کردند و نه ناتوان شدند و تن به ذلت ندادند. خداوند صابران را دوست دارد.)

آری، تاریخ انبیا همواره با مبارزه همراه بوده است؛ پس باید از آنان درس بگیریم. نباید مشکلات، عامل سستی و ضعف شوند؛ بلکه باید عامل حرکت و تلاش جدیدی باشند. مشکلات و ناملایمات نمی‌تواند مردان خدا را به تسلیم وادار کند.

به گواهی قرآن کریم، رزمندگان بصیر، نه از درون روحیه خود را می‌بازند و سست می‌شوند: ﴿فَمَا وَهَنُوا﴾ و نه توان رزمی خود را از دست می‌دهند: ﴿وَمَا ضَعُفُوا﴾ و نه بر اثر ناملایمات تسلیم می‌شوند و تن به ذلت می‌دهند: ﴿وَمَا اسْتَكَانُوا﴾.^۲

بنابراین باید خود را آماده عبور از گردنه‌ها کنیم. در حدیثی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌خوانیم: «مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلَيْسَتْ عِدَّةٌ لِّلْفَقْرِ جِلْبَابًا.»^۳ (هر کس ما اهل بیت را دوست دارد، باید برای پوشیدن پیراهن [شکیبایی بر] فقر و محرومیت آماده شود؛ [یعنی خود را برای زندگی ساده و زاهدانه آماده کند].) کاملاً واضح است که مرفهان بی‌درد نمی‌توانند بازویی برای انقلاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف بوده، در آن تمدن بزرگ، نقش آفرین باشند.

۱. آل عمران، ۱۴۶.

۲. آل عمران، ۱۴۶.

۳. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، حکمت ۱۱۲.





نگاه‌ها، روحیه‌ها، عمل‌ها، همت‌ها، هوشیاری‌ها، ابتکارها، عبرت‌گیری‌ها، صداقت‌ها، صراحت‌ها و اقتدارها، باید انقلابی و جهادی و جهانی باشند و در راستای استقلال خود و نجات خود و مظلومان جهان قرار گیرند. با این صفات می‌توان طرح تمدن اسلامی را پایه‌ریزی کرد.

ممکن است در اولین نگاه، به وجود آوردن چنین جامعه‌ای سخت باشد؛ ولی طبق نظر قرآن، با داشتن ایمان می‌توان همه کار کرد. در جنگ احد، وقتی به سبب اطاعت نکردن از فرماندهی، قوای اسلام با شکست مواجه شد و مسلمانان روحیه‌شان را از دست دادند، آیه **﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَالْأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾**^۱ نازل شد. خداوند خطاب به آن‌ها فرمود مبادا با شکست، خود را ببازید؛ بلکه با تقویت ایمان، خود را تقویت کنید که در این صورت، برتری با شماست.

در جهان بینی مادی، سلاح و تجهیزات عامل پیروزی است؛ ولی در بینش الهی، عامل پیروزی ایمان است. در آیه بعد می‌فرماید: **﴿... وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾**^۲.

این آیه ضمن دل‌داری دادن به مسلمانان، این واقعیت را بیان می‌کند که اگر شما به منظور حق و برای هدفی الهی متحمل ضرر جانی شده‌اید، دشمنان شما نیز کشته و مجروح داده‌اند. اگر شما امروز در جنگ احد پیروز نشده‌اید، دشمنان شما نیز دیروز در جنگ بدر شکست خورده‌اند؛ پس در سختی‌ها بردبار باشید.

۱. «و اگر مؤمن هستید، سستی نکنید و غمگین نباشید که شما برترید» (آل عمران، ۱۳۹).

۲. «... و ما روزها ی شکست و پیروزی را در میان مردم تقسیم می‌کنیم تا خداوند [با امتحان،] کسانی را که ایمان آورده‌اند، معلوم کند و از شما گواهانی [بر دیگران] بگیرد و خداوند ستمگران را دوست نمی‌داند [گرچه گاهی به‌ظاهر پیروز شوند]» (آل عمران، ۱۴۰).



امام صادق علیه السلام دربارهٔ این آیه فرمودند: «از روزی که خداوند آدم را آفرید، قدرت و حکومت خدایی و شیطانی در تعارض با یکدیگر بوده‌اند؛ اما دولت کامل الهی با ظهور حضرت قائم علیه السلام تحقق می‌یابد.»^۱

قرآن در ادامه می‌فرماید: ﴿وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ﴾^۲

(و [فرازونشیب‌های جنگ] برای آن است که خداوند افراد مؤمن را پاک و خالص و کافران را [به تدریج] محو و نابود کند.) گویا خدا می‌خواست ضعف‌های مسلمانان را با شکست در جنگ احد به آنان نشان دهد تا به فکر اصلاح و جبران نقایص بیفتند و برای حرکت‌های بعدی، آمادگی لازم را داشته باشند. آری، گاهی شکست‌های سازنده و بیدارگر، از پیروزی‌های غافلانه و بدون عمق مطلوب‌تر است.

۲۱. عدالت نسبی؛ نه عدالت مطلوب

ممکن است هر کمالی در جایی مطلوب و در جایی دیگر نقص باشد. مثلاً ممکن است بخشش در موقعیتی خوب و در موقعیت دیگر خوب نباشد. ولی عدالت کمالی است که نسبت به هر چیز و در همه جا کمال است؛ حتی در برابر دشمن! قرآن به ما اجازه نمی‌دهد از مرز عدالت خارج شویم: ﴿لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾^۳.

عدالت در همهٔ زمان‌ها و زمین‌ها فریضه‌ای است که بر عهدهٔ همهٔ مردم و به خصوص حاکمان است.^۴

ناگفته پیداست که برای تحقق عدالت باید با هر نوع فساد اقتصادی،

۱. محمدبن مسعود عیاشی، التفسیر، ج ۱، ص ۱۹۹.

۲. آل عمران، ۱۴۱.

۳. «ابن‌عبث انبیا برای آن است که مردم بر اساس عدالت به پا خیزند» (حدید، ۱۵).

۴. نک: عبدالواحدبن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۴۲.





اخلاقی و سیاسی و زمینه‌های رشد بی‌عدالتی و تبعیض‌ها در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی مبارزه کرد. البته این عدالت به تشکیلاتی نیاز دارد که محتاج افرادی کارآمد، تیزبین، قاطع، باایمان، جهادگر، دست‌ودل‌پاک، منیع‌الطبع و مصون از وسوسه‌های گوناگون است؛ وگرنه بی‌عدالتی‌های درونی، به بی‌عدالتی‌های بیرونی تبدیل می‌شود و اصل مقبولیت و مشروعیت نظام را متزلزل می‌کند.

اجرای عدالت، به برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت و جامع نیاز دارد. هم باید از تشکیل نطفه فساد در هر دستگاه پیشگیری شود و هم باید اگر نطفه منعقد شد و راه فساد و تبعیض برای ویژه‌خواران و فریب‌کاران اقتصادی باز شد، عاقلانه و مسئولانه و جهادی و با تدبیر مبارزه کرد و از تبلیغات و ارباب‌ها و جنگ روانی نهراسید.

آری، قوی‌ترین اهرم در برابر تهدیدات دشمن، ایمان و توکل به خداست. مؤمن وقتی در گرداب بلا قرار می‌گیرد، توکل و اتصال خود به خدا را بیشتر می‌کند. قرآن در ستایش گروهی از مردم می‌فرماید همین که به آنان گفته می‌شد: «بی‌شک مردم مشرک مکه بر ضد شما بسیج شده‌اند؛ پس از آنان بترسید»، به جای ترس بر ایمانشان افزوده می‌شد: ﴿إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا﴾^۱.

چه بسا بر اثر اجتناب از زیان‌رسانی دشمن و به سبب ترس و عقب‌نشینی، گرفتار ذلتی می‌شویم که زیان معنوی مهم‌تری است. آنچه مهم است، حفظ عزت کشور و ملت به صورتی حکیمانه و مصلحت‌جویانه از موضع انقلابی است. آری، عقب‌نشینی یعنی زانوزدن در برابر دشمن و بوسه‌زدن بر پنجه گرگ.



مؤمن اگر گرفتار حرص و لقمه حرام شد و با این صفت مسئولیتی گرفت، مسئولیتش هرگز مشروع نخواهد بود. بلای مهم، ضعف مدیریتی بعضی مسئولان و غفلت آنان از ظرفیت‌های کم‌نظیر طبیعی و انسانی و بی‌توجهی به شعارهای انقلاب است. در قرآن می‌خوانیم: ﴿وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُونَهُمْ بِأَذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَسَلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾^۱.

در سال دوم هجری که مسلمانان در جنگ بدر پیروز شدند، خداوند وعده داد که در جنگ‌های آینده نیز پیروز می‌شوند.^۲ در سال بعد که جنگ احد واقع شد، پیامبر ﷺ پنجاه نفر مسلح را برای حفاظت از کوه عینین در سمت چپ احد، نصب کرد. چون جنگ شروع شد، در آغاز مسلمانان حمله کردند و نفس دشمن را گرفتند و آن‌ها را شکست دادند؛ اما متأسفانه بین آن پنجاه نفر که مسئول حفاظت از کوه بودند، اختلاف شد. عده‌ای گفتند: «پیروزی ما قطعی است؛ پس به سراغ جمع کردن غنائم برویم» و عده کمی همچنان سنگرها را حفظ کردند.^۳

دشمن شکست خورده، از همان منطقه‌ای که بدون محافظ مانده بود، حمله کرد و این بار مسلمانان ضربه سنگینی خوردند و شهدای بسیاری دادند، تا آنجا که جان پیامبر در معرض خطر قرار گرفت و بسیاری از

۱. «و قطعاً خداوند وعده خود [مبنی بر پیروزی شما در جنگ احد] را محقق کرد؛ زیرا دشمن را با خواست او می‌کشید. تا آنکه سست شدید و در کار [جنگ و تقسیم غنائم] به نزاع پرداختید و [از دستور پیامبر] نافرمانی کردید، با آنکه خداوند [پیروزی و] آنچه را [از غنائم] که محبوبتان بود، به شما نشان داده بود. برخی از شما خواهان دنیایند [و غنائم جنگی]، و برخی خواهان آخرت [و شهادت در راه خدا]. پس نگاه خداوند شما را از تعقیب [آنان منصرف ساخت] و پیروزی شما به شکست انجامید [تا شما را بیازماید؛ ولی از [خطای] شما درگذشت و همانا خداوند در قبال مؤمنان، صاحب فضل و بخشش است» (آل عمران، ۱۵۲).

۲. آل عمران، ۱۲۵ تا ۱۲۷.

۳. نک: فضل‌بن‌حسن طبرسی، إعلام‌الوری بأعلام‌الهدی، ص ۸۱.





مسلمانان پا به فرار گذاشتند.

پس از پایان جنگ، مسلمانان از پیامبر ﷺ انتقاد می‌کردند که مگر خدا به ما وعده پیروزی نداده بود؛ پس چرا شکست خوردیم؟ قرآن در پاسخ آنان می‌فرماید که وعده خدا راست و درست بود؛ ولی سستی و نزاع و نافرمانی عامل شکست مسلمانان شد. آری، معنای تحقق وعده‌های خدا، نادیده گرفتن سنت‌های الهی نیست. نصرت خداوند تا زمانی است که انسان‌ها به وظیفه خود عمل کنند: ﴿لَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ... إِذَا فَشِلْتُمْ وَ تَنَازَعْتُمْ...﴾^۱. در ادامه آیه به این نکته اشاره شده است که در میدان جنگ، افراد برای هدف‌های متفاوت می‌جنگند: بعضی برای دنیا و بعضی برای آخرت: ﴿مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ﴾^۱. البته به تعبیر قرآن، عامل شکست‌های بیرونی، درونی است و خطاب به مسلمانان می‌فرماید: ﴿فَشِلْتُمْ... صَرَفَكُم عَنْهُمْ﴾^۲.

اگر به الگوی مقاومت و بیداری اسلامی و شکست سیاسی آمریکا در منطقه و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آمریکا و گسترش حضور قدرتمندان سیاسی خود پی ببریم و از تجربیات گذشته درس بگیریم و به وسوسه‌های مالی و تهدیدها بی‌اعتنا باشیم و به جهاد علمی جوانان توجه کنیم و بدانیم دشمن در حال احتضار است، هرگز خود را نخواهیم باخت.

۲۲. توجه به اقدامات دشمن

دشمن گاهی تظاهر می‌کند که صدای جدی و جدید انقلاب را نشنیده

۱. آل عمران، ۱۵۲.

۲. «شما [در درون] سست [و نافرمان] شدید...؛ آنگاه [خداوند] شما را از [تعقیب] آنان منصرف ساخت؛ [از این رو در بیرون شکست خوردید]» (آل عمران، ۱۵۲).



است. قرآن به این افراد می‌فرماید: ﴿أَفَلَا تَسْمَعُونَ﴾^۱. او می‌خواهد صداها را با تحریف و دروغ خفه کند: ﴿يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ﴾^۲ و پیشنهادهای فریب‌کارانه می‌دهد. مثلاً بعضی از سران قریش به پیامبر گفتند: «ای محمد، تو یک سال از آیین ما پیروی کن، ما هم یک سال از آیین تو پیروی می‌کنیم. آنگاه هرکدام بهتر بود، آن را ادامه می‌دهیم.» اما پیامبر نپذیرفت و فرمود: ﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِىَ دِينٌ﴾^{۳ و ۴}.

◀ دشمن دل جوانان و نوجوانان و نونهالان ما را با تهاجم روزافزون کانون‌های ضد‌معنویت و ضداخلاق و بهره‌گیری از ابزارهای رسانه‌ای منحرف می‌کند: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾^۵.

در تفسیر این آیه، به نقل از امام صادق علیه السلام آمده است ظاهراً شخصی به نام نصر بن حارث که از حجاز به ایران سفر می‌کرد، افسانه‌های ایرانی مانند افسانه رستم و اسفندیار و سرگذشت پادشاهان را آموخته بود و برای مردم عرب بازگو می‌کرد و می‌گفت: «اگر محمد برای شما داستان عاد و ثمود می‌گوید، من نیز قصه‌ها و اخبار عجم را بازگو می‌کنم.»^۶ این آیه نازل شد و کار او را شیوه‌ای انحرافی دانست.

بنابراین یکی از عوامل مهم گمراه‌کننده، سخن باطل است. گویندگان و خوانندگان که مردم را سرگرم می‌کنند و آنان را از حق و

۱. «آیا نمی‌شنوید؟!» (قصص، ۷۱).

۲. «کلمات را تحریف می‌کنند» (نساء، ۴۶؛ مائده، ۱۳ و ۴۱).

۳. «دین شما برای خودتان و دین من برای خودم» (کافرون، ۶).

۴. نک: علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۴۵؛ سیدهاشم بن سلیمان بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۷۸۱.

۵. «برخی از مردم، خریدار سخنان بی‌هوده و سرگرم‌کننده‌اند تا بی‌هیچ علمی [دیگران را] از راه خدا گمراه کنند» (لقمان، ۶).

۶. محمد بن علی بن شهر آشوب سمری مازندرانی، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۵۲.





حقیقت بازمی‌دارند، سعی کرده‌اند در موقعیت‌های گوناگون و با ابزارهای مختلف، مردم را از مسیر درست منحرف کنند. در ادامه به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

■ گاهی با تحلیل مغرضانه می‌گفتند افرادی که دور پیامبر ﷺ جمع شده‌اند، اهداف مادی دارند و اگر به آن‌ها کمک نکنیم، پراکنده می‌شوند: ﴿لَا تُنْفِقُوا عَلَىٰ مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا﴾^۱.

■ گاهی با مایوس‌سازی مردم و مسئولان و مدیران از آینده از طریق وارونه نشان دادن واقعیت‌ها، آن‌ها را گمراه و منحرف می‌کردند: ﴿قَلْبُوا لَكَ الْأُمُورَ﴾^۲.

■ گاهی با پنهان کردن جلوه‌های امید از طریق نشان دادن ضعف‌ها و شکست خودی‌ها و بزرگ‌نمایی دشمنان این کار را می‌کردند. قرآن می‌فرماید قدرت‌های غیرالهی مثل تار عنکبوت هستند و نصرت خداوند نزدیک است: ﴿نَضْرُ مِنْ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ﴾^۳.

■ گاهی با بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن خوبی‌ها، قصد تضعیف و نابودی نظام را داشته‌اند.

علل گمراهی مردم از دیدگاه قرآن

علاوه بر عامل «سخن باطل» که در مطالب پیش‌گفته به آن پرداختیم، در آیات دیگری از قرآن، به برخی از عوامل گمراهی مردم اشاره شده است: ۱. طاغوت که گاهی با تحقیر: ﴿فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ﴾^۴ و گاهی با تهدید:

۱. «به کسانی که نزد پیامبر خدایند، انفاق نکنید تا پراکنده شوند» (منافقون، ۷).

۲. «و کارها را بر تو وارونه ساختند» (توبه، ۴۸).

۳. فتح، ۱۳.

۴. [فرعون] قوم خود را سبک شمرد» (زخرف، ۵۴).





﴿لَا جَعَلَ لَكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ﴾^۱ مردم را منحرف می‌کند.

۲. شیطان که با وسوسه‌هایش انسان را گمراه می‌کند: ﴿يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ﴾^۲ و به مخالفان اسلام دستور حمله می‌دهد و می‌گوید امروز شما پیروزید: ﴿لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ﴾^۳.

۳. عالم و هنرمند منحرف که با استفاده از دانش و هنرش، دیگران را منحرف می‌سازد: ﴿وَأَصْلَهُمُ السَّامِرِيُّ﴾^۴.

۴. صاحبان قدرت و ثروت که با استفاده از قدرت و ثروت، مردم را از حق بازمی‌دارند و آن‌ها را از حقیقت دور می‌کنند: ﴿إِنَّا أَنْعَمْنَا سَادَتَنَا وَكِبْرَاءَنَا فَأَصَلُّونَا السَّبِيلَا﴾^۵.

با توجه به آنچه گفته شد، باید بدانیم که همه این برنامه‌ها برای خاموش کردن نور اسلام است؛ آن‌هم با فوت کردن! درحالی‌که خداوند می‌فرماید: ﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾^۶.

آری، طبق این آیه، تلاش‌های کافران همچون نموده‌ها، فرعون‌ها، بنی‌امیه و بنی‌عباس در مبارزه با دین، مثل فوت کردن به خورشید است: ﴿يُطْفِئُونَ نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ﴾.

دشمنان باید بدانند که با اراده حتمی خداوند برای پیروزی دین حق طرف‌اند و هرگونه تلاش علیه مکتب اسلام، محکوم به شکست است: ﴿يَتِمَّ نُورَهُ﴾.

۱. «[فرعون به موسی گفت: تو را از زندانیان قرار خواهم داد]» (شعراء، ۲۹).

۲. «شیطان می‌خواهد آنان را گمراه کند» (نساء، ۶۰).

۳. «امروز هیچ‌کس از مردم بر شما پیروز نخواهد شد» (انفال، ۴۸).

۴. «و سامری آن‌ها را گمراه کرد» (طه، ۸۵).

۵. «... ما از سران و بزرگان خود اطاعت کردیم و ما را گمراه ساختند» (احزاب، ۶۷).

۶. «می‌خواهند نور خدا را با دهان‌هایشان خاموش سازند؛ ولی خداوند جز این نمی‌خواهد که نور خود را به کمال برساند؛ هرچند کفار ناخشنود باشند» (توبه، ۳۲).





اما دشمن نمی‌داند که این اقدامات، با قدرت ایمان ملت و انگیزه امت و رهبری الهی و جهاد علمی و اصلاح مشکلات درونی و مرزبندی قاطع و منطقی، یکی پس از دیگری خنثی خواهد شد.

۲۳. توجه به اقتصاد

اقتصاد هدف نیست؛ وسیله است. اقتصاد اگر ضعیف باشد، زمینه نفوذ دشمن، دخالت دشمن و سلطه دشمن است و اگر قوی باشد، وسیله قدرت کشور و عزت کشور خواهد بود.

◀ اسلام طرف‌دار تولید است. خداوند می‌فرماید زمین و آسمان و باد و باران و میوه و نهرها و نور را مستخر شما کردم^۱ و شما باید که باید با تلاش، از این منابع استفاده و تولید کنید: ﴿وَأَسْتَعْمِرْكُمْ فِيهَا﴾^۲ آن‌هم تولید باکیفیت! در حدیثی از امام صادق علیه السلام به نقل از پدر بزرگوارشان امام باقر علیه السلام آمده است که امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده‌اند: «مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تُرَابًا ثُمَّ افْتَقَرَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ»^۳ (کسی که آب و خاک دارد [اگر کشت و تولید نکند] و فقیر شود، خدا او را از لطف خودش دور می‌کند).

امت اسلامی باید در همه چیز، از جمله تولیدات، موجب عزت اسلام شود؛ یعنی همین که مردم بدانند سازنده یک محصول مسلمان است، به سبب تولید باکیفیت آن محصول، به اسلام علاقه مند شوند؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «... كُونُوا لَنَا زَيْنًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا»^۴

◀ اسلام طرف‌دار توزیع عادلانه، به اندازه، بی‌اسراف، همراه با مدیریتی

۱. نک: ابراهیم، ۳۲ تا ۳۴.

۲. «و آبادی آن را به شما واگذاشت» (هود، ۶۱).

۳. عبدالله بن جعفر حمیری قمی، قرب الإسناد، ص ۱۱۵.

۴. «... موجب زینت ما باشید و وسیله ننگ ما نباشید» (محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص ۴۰۰).





خردمندانه است. اقتصاد ما نباید وابسته به نفت و دلار آن باشد و از ظرفیت داخلی استفاده نکنیم. قرآن می‌فرماید حضرت یعقوب ع به پسران خود سفارش کرد: ﴿لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ﴾^۱.

آری بنا به گفته برخی مفسران، برای پیدا کردن یوسف نباید از یک طریق اقدام کرد.^۲ این خود یک اصل است که خداوند حکیم در مخلوقات نیز این حکمت را به کار برده است. مثلاً بعضی اعضای بدن جفت است که با حذف یکی، انسان در زندگی فلج نشود. باید انسان در حل مسائل اقتصادی، گزینه‌های متعددی داشته باشد تا مثلاً با تمام شدن نفت یا فروش نرفتن آن، کشور فلج نشود.

◀ اقتصادی برپاست که از درون باشد، مولد باشد، دانش‌بنیان باشد، مردمی باشد؛ نه دولتی. دشمن می‌خواهد از بیرون با تحریم و وسوسه و تبلیغات، مسلمانان را به چالش بکشد. قرآن می‌فرماید: ﴿إِنْ تَمَسَسَكُمْ حَسَنَةٌ تَسُوهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ﴾^۳؛ بنابراین باید اهل صبر و تقوا باشیم تا حيله‌های آنان به ما ضربه‌ای نزنند.

◀ گاهی آسیب از درون است؛ مثلاً به سبب حرص‌ها، بخل‌ها، کسالت‌ها، تن‌پروری‌ها، ضعف‌های مدیریتی و عیب‌دانستن کار، اقتصاد ما دچار آسیب می‌شود که هریک از این مسائل در آیات و روایات نمونه‌هایی دارد.

با بررسی برخی کلیدواژه‌های اقتصادی می‌توان سیمای اقتصاد در

۱. یوسف، ۶۷.

۲. نک: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۳۰، به نقل از: مرحوم اشراقی؛ محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۴، ص ۲۴۸.

۳. «اگر خوبی به شما برسد، آنان را غمگین می‌سازد و اگر بدی به شما برسد، آن‌ها بدان شادمان می‌شوند و اگر [در برابرشان] صبر کنید و پرهیزکار باشید، حيله بدخواهانه آنان هیچ‌گونه آسیبی به شما نمی‌رساند. خداوند به آنچه انجام می‌دهند، احاطه دارد» (آل عمران، ۱۲۰).





اسلام را به دست آورد. مال و ثروت، آب و خاک، باران و طبیعت، کار و تلاش، شرکت و تعاون، مصرف و اسراف، بیت‌المال، حق‌الناس، خمس و زکات، رزق حلال، قرض‌الحسنه، وقف، بازار، نظارت و بازرسی، توزیع عادلانه، کشاورزی، صرفه‌جویی، محکم‌کاری و استاندارد، درخت‌کاری، محاسبه و بازرگری، حقوق، خدمت و مدیریت، خودباوری و خودباختگی، محیط‌زیست، امنیت اقتصادی و ده‌ها موضوع دیگر که به نحوی در تولید و توزیع و مصرف نقش دارند.

از سوی دیگر، بسیاری از مسائل اعتقادی و اخلاقی به‌نوعی در تولید و توزیع و مصرف و شیوه مدیریت اثرگذارند. حساب کسانی که با عقیده و ایمان و عشق ساختمان می‌سازند، با حساب کسانی که براساس مزایده و مناقصه و با هدف سود بیشتر چیزی می‌سازند، تفاوت دارد. در دنیا مهم‌ترین ساختمان‌ها مساجد و کلیساها هستند که براساس عشق و عقیده ساخته شده‌اند. حساب مادر و همسری که براساس محبت غذا می‌پزد، از حساب رستورانی که برای کسب درآمد، غذا فراهم می‌کند، جداست. هزار کارگر و کارمند زن، مادر نمی‌شوند و ترکیب هزاران مواد غذایی شیرمادر نخواهد شد. در همه مسائل از جمله مسائل اقتصادی، باید به ایمان و اخلاق و علاقه و انگیزه توجه کرد.

۲۴. رعایت اولویت‌ها

در همه مسائل، رعایت اولویت‌ها لازم است. چه بسیار پژوهش‌هایی انجام می‌گیرد و بودجه‌هایی هزینه می‌شود که به سبب بی‌توجهی به اولویت‌ها، آن تحقیقات هیچ ثمره‌ای ندارد. در قرآن می‌خوانیم که در انفاق، اولویت با والدین و بستگان است: ﴿قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ...﴾^۱.

۱. بقره، ۲۱۵.



رسول گرامی اسلام ﷺ نیز در این باره در حدیثی فرموده‌اند: «لَا صَدَقَةَ وَ ذُو رَحِمٍ مُّحْتَاَجٍ.»^۱ (با داشتن خویشاوندان محتاج، صدقه دادن به دیگران روا نیست.)

۲۵. اقتصاد هدفمند

اسلام در کنار تولید و مصرف، هدفمندی آن را گوشزد کرده است. گاهی در کنار فرمان مصرف می‌فرماید: ﴿كُلُوا... وَلَا تُسْرِفُوا﴾^۲ یعنی در خوردن زیاده‌روی نکنید. یک جا می‌فرماید: ﴿كُلُوا... وَ اشْكُرُوا﴾^۳ یعنی برای خوردن، از خداوند تشکر کنید. در جایی دیگر می‌فرماید: ﴿كُلُوا... وَ اعْمَلُوا صَالِحًا﴾^۴ یعنی با قدرتی که از غذا خوردن به دست می‌آورید، کار نیک انجام دهید. گاهی چنین دستور می‌دهد: ﴿كُلُوا... وَ لَا تَغْوُوا فِيهِ﴾^۵ یعنی از قدرتی که به وسیله غذا خوردن به دست آورده‌اید، طغیان نکنید. در جایی دیگر می‌فرماید: ﴿كُلُوا... وَ اتَّوَحَّ قَهُ﴾^۶ یعنی بخورید و حق آن را ادا کنید. و نیز می‌فرماید: ﴿فَكُلُوا... اطعموا﴾^۷ یعنی بخورید و به دیگران نیز اطعام کنید. از این آیات استفاده می‌شود که نه تنها تولید باید هدفمند باشد، مصرف نیز باید جهت‌دار باشد؛ آن هم جهتی در راستای رشد فرد و جامعه؛ و گرنه تولیدی که در راستای رشد نباشد، لعنت شده است. در حدیثی، امام صادق ع به نقل از پدران خود از امیرالمؤمنین ع روایت می‌کند که رسول اکرم ص دربارهٔ شراب، ده گروه را نفرین کرد و فرمود: «لَعَنَ اللَّهُ الْخَمْرَ وَ غَارِسَهَا وَ عَاصِرَهَا وَ

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۸۱.

۲. اعراف، ۳۱.

۳. بقره، ۱۷۲.

۴. مؤمنون، ۵۱.

۵. طه، ۸۱.

۶. انعام، ۱۴۱.

۷. حج، ۲۸.



شَارِبَهَا وَ سَاقِيَهَا وَ بَاتِعَهَا وَ مُشْتَرِيَهَا وَ أَكَلَ ثَمَنِيهَا وَ حَامِلَهَا وَ الْمَحْمُولَةَ إِلَيْهِ.»^۱
خداوند شراب و نشاننده [درخت] آن و سازنده و نوشنده و ساقی و فروشنده
و خریدار و خورنده پول آن و حمل کننده و تحویل گیرنده آن را لعنت کند.

۲۶. تعدیل ثروت

خمس و زکات گامی برای مهار ثروت است. اسلام از یک سو دست افراد قوی، مبتکر، پرکار و خلاق را در مالکیت باز گذاشته تا مانع رشد آنان نشود و از سویی درآمدهایی از قبیل ربا، سرقت، رشوه و اختلاس را ممنوع دانسته است. اما به مالکان درآمدهای حلال اجازه نمی دهد درآمد خود را هرگونه خواستند، مصرف کنند و آنان را از اسراف و تبذیر و ثروت اندوزی نهی فرموده است. در مقابل، با واجب کردن خمس و زکات و کفارات و سفارش اکید به انواع کمک ها و صدقه ها، بخشی از اموال آنان را با علم، اراده، عشق و ایمان، برای حل مشکلات طبقه محروم گرفته است.

صدها آیه در قرآن درباره انفاق، ایتاء، اعطاء، جهاد مالی، زکات، خمس، صدقه، کفاره، قرض الحسنه و امثال آن برای محرومیت زدایی و تعدیل ثروت آمده است. قرآن در کنار نماز، زکات را می آورد.^۲ در کنار روزه خواری، اطعام شصت فقیر را به عنوان کفاره قرار می دهد.^۳ اولین سهم زکات را برای فقرا و مساکین قرار می دهد.^۴ بخشی از خمس را برای محرومان قرار داده است. در جهاد و غنائم جنگی، سهمی را به فقرا داده است.^۵ در عید

۱. محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۸.

۲. ﴿يَتِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ﴾ (نک: نمل، ۳: لقمان، ۴: مائده، ۵۵: توبه، ۷۱).

۳. نک: سیدمحمدحسین بنی هاشمی خمینی و احسان اصولی، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۹۲۸، مسئله ۱۶۶۰.

۴. ﴿أَتِمَّا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا...﴾ (نک: توبه، ۶۰).

۵. نک: محمدبن محمدبن نعمان عکبری بغدادی (شیخ مفید)، المقنعة، ص ۲۷۸.





فطر، به زکات فطره و نان فقرا توجه دارد.^۱ در عید قربان، به ذبح حیوان و گوشت فقرا توجه دارد.^۲

۲۷. نکاتی درباره اقتصاد اسلامی

رشد اقتصاد باید درونی باشد، نه وابسته به بیگانگان؛ چون در این صورت مسلمانان باید ذلت خود در مقابل بیگانگان را مشاهده کنند؛ درحالی که قرآن می‌فرماید: ﴿لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾.^۳

◀ اقتصاد باید مولد باشد. پیامبر ﷺ هرگاه میان مسلمانان مسابقه برگزار می‌کرد، جایزه‌های برندگان جوایزی مولد بود؛ یعنی یا شتر حامله، یا درخت خرما! شتر حامله تولیدکننده گوشت، کرک و شیر و وسیله حمل و نقل و درخت خرما نیز تولیدکننده چوب و خرما و سایه است. امروز جوایز دنیا معمولاً مصرفی و تجملاتی است.

◀ اقتصاد باید علمی و دانش بنیان باشد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره فرموده‌اند: «يَا مَعْشَرَ التَّجَارِ الْفُقَهَاءِ ثُمَّ الْمَتْجِرِ»^۴ (ای گروه تجار، اول فقه و یادگرفتن احکام معاملات؛ سپس تجارت.) و نیز می‌فرمایند: «مَنْ اتَّجَرَ بَعِيْرٍ عَلِيمٍ اِزْتَمَمَ فِي الرِّبَا»^۵ (کسی که بدون علم و دانستن احکام شرعی تجارت، دست به تجارت بزند، در دام ربا می‌افتد).

◀ اقتصاد باید مردمی باشد، نه دولتی. قرآن می‌فرماید: ﴿أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ﴾^۶ (آن کشتی، از آن بینوایانی بود که

۱. نک: سیدمحمدحسین بنی‌هاشمی خمینی و احسان اصولی، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۱۶۹، مسئله ۱۹۹۱.

۲. ﴿فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْقَانِعَ وَ الْمُعْتَرَّ﴾ (حج، ۳۶).

۳. «و خداوند هرگز بر [زبان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است» (نساء، ۱۴۱).

۴. محمدبن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج ۵، ص ۱۵۰.

۵. محمدبن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج ۵، ص ۱۵۴.

۶. کهف، ۷۹.





در دریا کار می‌کردند.) از این آیه استفاده می‌شود که حتی افراد مسکین می‌توانند با نوعی قرارداد شرکتی، تعاونی تأسیس کرده، از طریق آن درآمدی کسب کنند.

۲۸. توجه به معنویات

خالق هستی در کتاب آسمانی، نگاه بشر را به فراتر از مادیات معطوف کرده است و درباره هر کاری، از دو زاویه مادی و معنوی مسائلی را مطرح کرده است. کوتاه سخن آنکه در فرهنگ اسلام، برای بسیاری از امور مادی، مشابه معنوی نیز وجود دارد؛ برای مثال، امروز هر جا سخن از محیط زیست می‌شود، ذهن‌ها فقط به سراغ آب و خاک و جنگل و باد و باران و امثال آن می‌رود؛ اما اسلام علاوه بر آیات و روایات بسیاری که درباره حفظ محیط زیست دارد، با نگاهی بالاتر، به محیط زیست معنوی نیز پرداخته است:

۱. امر به معروف و نهی از منکر، راهبردی اساسی برای حفظ سلامت محیط زیست اجتماعی بشر است.
۲. حفظ عفاف و حجاب، برای جلوگیری از تبرج و خودنمایی زنان و مردان و مشغول ساختن ذهن و دل شهروندان به خودنمایی و فحشا و منکرات است.
۳. خلوت نکردن با نامحرم، منع از نجوا و درگوشی صحبت کردن، تحریم غیبت و تجسس و تهمت و سوءظن و امثال آن، راهی برای نگهداری محیط زیست معنوی و کیفی سازی آن برای زندگی جمعی است.
۴. نهی از مطالعه کتاب‌های انحراف آمیز و سوق دهنده به کفر و دین‌گریزی، نهی از معاشرت با افراد نااهل و فتنه جو، حفظ ظواهر دینی در رفتار و گفتار و بالاخره مراعات ادب اجتماعی در روابط میان فردی،





نمونه‌هایی از بسترسازی برای تأمین محیط‌زیست سالم است. ایمان، توکل، ایثار، اخلاص، خیرخواهی و دل‌سوزی، گذشت، کمک، شجاعت، تواضع و اعتمادبه‌نفس در جامعه می‌تواند از مصادیق حفظ محیط‌زیست معنوی باشد. بسیاری از مشکلات اخلاقی و مفساد اجتماعی را می‌توان با این‌گونه صفات برطرف کرد.

نگاه مادی و معنوی

۱. خوراک مادی: ﴿كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ﴾^۱
 خوراک معنوی: ﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ﴾^۲ که امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه می‌فرماید: «إِلَى عِلْمِهِ الَّذِي يَأْخُذُهُ عَمَّنْ يَأْخُذُهُ»^۳ (ببیند علمی را که فرامی‌گیرد، از چه کسی می‌آموزد).

۲. لباس مادی: ﴿سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ﴾^۴
 لباس معنوی: ﴿وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَلِكَ خَيْرٌ﴾^۵

۳. زینت مادی: ﴿خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾^۶
 زینت معنوی: ﴿حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ﴾^۷
 ۴. سفر مادی: ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ﴾^۸

۱. مؤمنون، ۵۱.

۲. عیس، ۲۴.

۳. محمدبن عمر کشتی، اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الکنتی، ج ۴، ص ۳.

۴. «پیراهن‌هایی که شما را حفظ می‌کند» (نحل، ۸۱).

۵. «اما لباس تقوا بهتر است» (اعراف، ۲۶).

۶. «زینت خود را هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید» (اعراف، ۳۱).

۷. «خدایوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل‌هایتان زینت بخشیده است» (حجرات، ۷).

۸. «و اگر در سفر بودید» (بقره، ۲۸۳).





سفر معنوی: ﴿اِنَّكَ كَادِحٌ اِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا﴾^۱.

۵. رزق مادی: ﴿مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لِّكُمْ﴾^۲.

رزق معنوی: ﴿وَاَرْزُقْنِي حَبَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ﴾^۳.

۶. شیرینی مادی: «حَلَاوَةُ الدُّنْيَا»^۴.

شیرینی معنوی: «حَلَاوَةُ الْاِيْمَانِ»^۵.

۷. پاداش مادی: ﴿جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ﴾^۶.

پاداش معنوی: ﴿وَرِضْوَانٌ مِنَ اللّٰهِ اَكْبَرُ﴾^۷.

۸. پدر مادی: ﴿وَوَالِدٍ وَّ مَا وُلِدَ﴾^۸.

پدر معنوی: «اَنَا وَ عَلٰى اَبَوٰى هَذِهِ الْاُمَّةِ»^۹.

۹. هجرت مادی: ﴿وَوٰهٰجِرُوْا﴾^{۱۰}.

هجرت معنوی: ﴿وَالرُّجُوْا فَهٰجِرُ﴾^{۱۱}.

۱. «تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد» (انشقاق، ۶).

۲. «از میوه‌ها رزقی برای شما بیرون آورد» (بقره، ۲۲).

۳. عباس قمی، کلیات مفاتیح الجنان، ص ۲۸۱، اعمال مشترک ماه رمضان.

۴. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، حکمت ۲۵۱.

۵. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۲۰۱؛ محمدبن حسن طوسی، مصباح المتعجب، ج ۲، ص ۵۱۰.

۶. «باغ‌هایی که نهرها از زیر درختانش جاری است» (بقره، ۲۵).

۷. «و خشنودی خدا بزرگ‌تر است» (توبه، ۷۲).

۸. «و قسم به پدری [چنان] و فرزندی که به وجود آورد» (بلد، ۳).

۹. «من و علی پدران این امت هستیم» (محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۸۵؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۱۱).

۱۰. «و کسانی که [از وطن خود] هجرت کردند» (انفال، ۷۲).

۱۱. «و از پلیدی به کلی دوری کن» (مدثر، ۵).





۲۹. توجه به هویت

امروز طراحان فاسد و مفسد می‌نشینند و برای ترویج سبک زندگی غربی در سایر کشورها برنامه‌ریزی می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که دیر یا زود در همه کشورهای نسل نو سربازان آن‌ها باشند و در اخلاق، اقتصاد، رفتار و گفتار، لباس و آرایش، دیدنی‌ها، شنیدنی‌ها، نوشتنی‌ها، سبکی رایج شود که نسل نو را بی‌هویت کند تا مثل موم در اختیار شرق و غرب باشند و حتی در آرایش سر و صورت خود نیز از خود اختیاری نداشته باشند. این بی‌هویتی را در فضای حقیقی و مجازی فراوان می‌بینیم.

اگر انسان برای خود ارزشی قائل بشود، هرگز تسلیم هر حرف و شعار و موجی نمی‌شود. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةَ فَلَا تَتَّبِعُوهَا إِلَّا بِهَا.»^۱ (جان شما بهایی جز بهشت ندارد؛ پس آن را جز به بهشت نفروشید.) آیاتی چون: ﴿فَمَا رِيحَتْ...﴾^۲، ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ﴾^۳، ﴿بِسْمَا الشَّرِّ...﴾^۴، ﴿خُسْرَانٌ الْمُبِينُ﴾^۵ و نمونه‌هایی از این قبیل که بارها در قرآن بیان شده است، نشان می‌دهد وجود انسان ارزشمند است.

انسان اگر بنده غیرخدا باشد، خود را ارزان فروخته است؛ چراکه غیرخدا، نه مالک است، نه رازق است، نه قادر است و نه بینا، نه شنوا، نه حکیم، نه رحیم و... بنابراین چنین بنده‌ای به تعبیر قرآن، هم در دنیا و هم در آخرت، جزو زیان‌کاران خواهد بود: ﴿قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ﴾^۶. انسان موجودی است ابدی و می‌تواند با ایمان و عمل، به تمام مراحل

۱. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۷۷ و ۵۵۸.

۲. «[تجارتشان] سودی نکرد...» (بقره، ۱۶).

۳. «واقعاً انسان در زیان کاری بزرگی است» (عصر، ۲).

۴. «به بد بهایی خود را فروختند...» (بقره، ۹۰).

۵. زمر، ۱۵.

۶. «زیان‌کاران در حقیقت کسانی‌اند که به خودشان در روز قیامت زیان رسانده‌اند» (زمر، ۱۵).





کمال برسد. حتی اگر توفیق نداشت، با نیت می‌تواند ارزش‌ها و پاداش‌های آن کمال را برای خود ذخیره کند. اسلام انسان را موجودی می‌داند که ویژگی‌ها و امتیازات ارزشمندی دارد:

◀ با اراده، بی‌نهایت‌طلب، خلیفه خدا با بهترین قوام: ﴿أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾^۱.

◀ دارای روح الهی: ﴿وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي﴾^۲.

◀ مسجود فرشتگان: ﴿أَسْجُدُوا لِآدَمَ﴾^۳.

◀ وصل به خدا: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾^۴.

◀ برای هدفی مقدس: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^۵.

◀ خداوند تمام هستی را در راستای خدمت به بشر و مسخر فرمان آن‌ها قرار داده است: ﴿سَخَّرَ لَكُمْ﴾ و ﴿مَتَاعًا لَكُمْ﴾^۷.

همه این مطالب و آیات و روایات، نشان‌دهنده ارزش انسان و هویت اوست. افراد بی‌هویت سعی می‌کنند دیگران را نیز بی‌هویت کنند. قرآن درباره هویت بخشی به انسان‌ها آیات فراوانی دارد؛ از جمله:

۱. معبود تو، خدای علیم حکیم قادر رئوف است.^۸

۲. راهنمای تو، پیامبر و امامان معصوم هستند.^۹

۳. قانون تو، قرآن و وحی آسمانی است.^{۱۰}

۱. تین، ۴.

۲. «و در آن، از روح خودم دمیدم» (حجر، ۲۹).

۳. «[ای فرشتگان الهی،] به آدم سجده کنید» (بقره، ۳۴).

۴. «به‌درستی که ما از خداییم و به‌سوی او بازمی‌گردیم» (بقره، ۱۵۶).

۵. «جن و انس را خلق نکردم مگر برای عبادت» (ذاریات، ۵۶).

۶. ابراهیم، ۳۲ و ۳۳؛ حج، ۶۵؛ لقمان، ۲۰.

۷. عبس، ۳۲؛ نازعات، ۳۳.

۸. یوسف، ۶؛ فرقان، ۵۴.

۹. نک: انبیاء، ۷۳؛ سجده، ۲۴.

۱۰. نک: اسراء، ۹؛ آل عمران، ۱۹.





۴. هیچ عملی از تو ضایع نمی‌شود: ﴿لَا ضِیْعَ عَمَلٍ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى﴾^۱.

۵. زن و مرد در رسیدن به مقامات عالی یکسان‌اند: ﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾^۲.
اگر انسان قرآنی را با انسانی که مکتب‌های غیرالهی ترسیم کرده‌اند، در دو تابلو روبه‌روی هم قرار دهیم، به هویت انسان در اسلام و بی‌هویتی در مکتب‌های دیگر پی می‌بریم.

۳۰. نگاه جمعی

اسلام چون مکتبی بر پایه عقل و فطرت است، چشم‌اندازش را کل بشر قرار داده است؛ یعنی دفاع را برای همهٔ مظلومان و عزت و پیشرفت و خدمت و ثروت را برای همه می‌خواهد. کمالات را برای همهٔ عصرها و نسل‌ها و عرصه‌ها و کشورها می‌داند. در آموزه‌های دینی مشاهده می‌کنیم که:
◀ انسان حتی اگر به تنهایی نماز می‌خواند، حق ندارد فقط خودش را ببیند؛ بلکه باید بگوید: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ﴾^۳ یعنی همهٔ ما بندهٔ تو هستیم و هدایت را برای همه بخواند: ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾^۴ و به همه سلام کند: «السَّلَامُ عَلَيْنَا»^۵.

◀ اگر دعا می‌کند، برای همهٔ فقیران، اسیران، بیماران، در راه‌ماندگان، غریبان و... دعا کند: «... اللَّهُمَّ اغْنِ كَلَّ فَقِيرٍ اللَّهُمَّ أَشْبِعْ كَلَّ جَائِعٍ اللَّهُمَّ اكْسُ كَلَّ غُرْبَانٍ اللَّهُمَّ اقْضِ دَيْنَ كَلِّ مَدِينٍ اللَّهُمَّ فَرِّجْ

۱. «من عمل هیچ عمل‌کننده‌ای از شما را، زن باشد یا مرد، ضایع نخواهم کرد» (آل عمران، ۱۹۵).

۲. احزاب، ۳۵.

۳. فاتحه، ۵.

۴. فاتحه، ۶.

۵. محمدبن‌علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۱۹.





عَنْ كَلِّ مَكْرُوبٍ ...»^۱

این روحیه برخاسته از همت بلند و اتصال به بی‌نهایت است. کسانی که خودبین و خودخواه‌اند، نمی‌توانند این‌گونه با سعه صدر برخورد کنند. سفارش‌های اسلام برای همه است. اگر سخن از تلاش و کسب لقمه حلال و کمک به مظلومان می‌شود، برای همه است و استثنا ندارد.

۳۱. پویایی

گاهی در بعضی گروه‌ها و در مناطقی، فکری حرکت خوبی پیدا می‌شود؛ ولی با گذشت زمان، اختلاف و انشعاب و دل‌سردی پیدا می‌شود. اسلام می‌فرماید: ﴿الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ﴾؛^۲ یعنی جز افراد باتقوا، ارتباطات مردم به بدبینی و دشمنی تبدیل می‌شود.

از الطاف خداوند به انسان این است که ورود و خروجش به این دنیا، صادقانه و بدون شک، بدون دل‌سردی، بدون فتنه و فساد باشد و ختم به خیر شود. قرآن می‌فرماید: ﴿وَقُلْ رَبِّ ادْخُلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ﴾^۳ و در ستایش حضرت عیسی علیه السلام می‌فرماید که عیسی روز تولد و روز وفات و روز قیامتش همراه با سلامتی بود: ﴿وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَايَوْمَ اَمُوتُ وَايَوْمَ اُبْعَثُ حَيًّا﴾^۴.

حضرت یوسف علیه السلام از خداوند حُسن عاقبت درخواست کرد: ﴿تَوَفَّنِيْ مُسْلِمًا وَّالْحَقِّيْ بِالصَّالِحِيْنَ﴾^۵.

۱. عباس قمی، کلیات مفاتیح الجنان، ص ۲۸۲، اعمال مشترک ماه رمضان.

۲. «دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند، مگر پرهیزکاران» (زخرف، ۶۷).

۳. «و بگو: پروردگارا، مرا [در هر کار] با صداقت وارد کن و با صداقت خارج ساز» (اسراء، ۸۰).

۴. «سلام [خدا] بر من، در آن روز که متولد شدم و در آن روز که می‌میرم و آن روز که زنده برانگیخته خواهم شد» (مریم، ۳۳).

۵. «مرا مسلمان بمیران و به صالحان ملحق فرما» (یوسف، ۱۰۱).



امیرالمؤمنین علی علیه السلام همین که خبر شهادتش را از پیامبر صلی الله علیه و آله شنید، به جای آنکه بپرسد کجا و به دست چه کسی و به چه دلیل شهید می شود، فقط فرمود: «أَفِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِي؟»^۱

بنا بر آنچه گفته شد، دین داری مهم است؛ ولی دین دارماندن مهم تر است. قرآن از دینی سخن می گوید که استوار باشد نه عاریه ای: ﴿وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ﴾^۲. کوتاه سخن آنکه انقلابی بودن مهم نیست؛ انقلابی ماندن مهم است.

به لطف خداوند، انقلاب ایران ماندگار و پویا و بی شک استوار خواهد ماند و اگر گاه و بیگاه ریزشی داشته، در کنارش رویش هایی نیز بوده است. این وعده خداوند است: ﴿مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾^۳ (هرکسی از شما که از دین خود برگردد [به خدا ضرری نمی زند؛ چون] خداوند در آینده قومی را خواهد آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند).

حتی کسانی که از مسائل یا افراد یا روش ها و مدیریت ها و سیاست هایی انتقاد می کنند، اصل اسلام و انقلاب و نظام را قبول دارند و همین که احساس کنند بیگانگان به فکر تجزیه هستند، بیشتر با هم متحد می شوند.

۳۲. پاکدستی و پارسایی

پاکدستی برای همه واجب و برای مسئولان واجب تر است. برخورد امیرالمؤمنین علیه السلام با تقاضای برادرش عقیل را شنیده اید: همین که او

۱. «أَيَا لِحْظَةَ شَهَادَتِهِ، دِينٌ مِنْ سَالِمٍ خَوَّاهُ بُوْدُ؟» (عبد الحمید بن هبة الله بن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۱۰۸).
 ۲. «این است دین استوار و ثابت» (بینه، ۵).
 ۳. مانده، ۵۴.





تقاضای سهم بیشتری کرد، حضرت آهنی داغ کرد و نزدیک دست برادر آورد و گفت: «تو اگر از حرارت این آتش در هراسی، من از آتش قیامت ترسانم.»

در روایتی دیگر فرمود: «وَإِنِّي أَقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمًا صَادِقًا لَئِن بَلَغَنِي أَنْتَ خُنْتُ مِنْ فِتْنِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا لَأَشُدَّنَّ عَلَيْكَ شِدَّةً تَدْعُكَ قَلِيلَ الْوَفْرِ تَقِيلَ الظَّهْرَ ضَيْلَ الْأَمْرِ وَالسَّلَامِ.»^۱ (به خدا سوگند می‌خورم، سوگندی صادقانه که اگر به من خبر رسد که در اموال عمومی مسلمانان، کم یا زیاد، خیانت کرده‌ای، چنان بر تو سخت می‌گیرم که مالت اندک شود و بار زندگی بر تو سنگینی کند [در هزینه عیال و خانواده درمانده] و خوار شوی. والسلام.)

آن حضرت در جایی دیگر فرمودند: «دَخَلْتُ بِإِلَادِكُمْ بِأَسْمَالِي هَذِهِ وَرَحَلْتِي وَرَاحِلَتِي هَاهِي فَإِن أَنَا خَرَجْتُ مِنْ بِلَادِكُمْ بَعِيرٍ مَا دَخَلْتُ فَإِنِّي مِنَ الْخَائِنِينَ.»^۲ [ای مردم عراق،] من با این باروبند و رحل و راحله و این چند اثاث به دیار شما آمدم و اگر از سرزمین شما با چیزی جز آنچه با آن آمده بودم بیرون بروم، یقیناً من از خیانت‌کاران خواهم بود.)
و الحمد لله رب العالمين .

۱. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، نامه ۲۰.

۲. محمد بن علی بن شهر آشوب سزوی مازندرانی، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۹۸؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۳۲۵.





کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۴ و ۸، چ ۱، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی بن شهر آشوب سروری مازندرانی، مناقب آل ابی طالب، ج ۱ و ۲، چ ۱، قم: علامه، ۱۳۷۹ ق.
۴. ابن ادریس، محمد بن ادریس حلی، کتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، به تحقیق و تصحیح حسن بن احمد موسوی و ابوالحسن بن مسیح، ج ۳، چ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۵. ابن طاووس، علی بن موسی بن جعفر بن طاووس (سید بن طاووس)، اللهوف علی قتلی الطفوف: آهی سوزان بر مزار شهیدان، ترجمه احمد فهری زنجانی، چ ۱، تهران: جهان، ۱۳۴۸ ش.
۶. امینی، عبدالحسین، موسوعة الغدير فی الكتاب و السنة و الادب، ج ۸، چ ۵، قم: دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۴۳۰ ق، به نقل از: کتابخانه دیجیتال نور.
۷. انصاری شوشتري، مرتضی، القضاء و الشهادات، چ ۱، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ ق.
۸. باقلانی مالکی، محمد بن طیب، تمهید الاوائل فی تلخیص الدلائل، به تحقیق احمد حیدر، چ ۱، بیروت: مؤسسة الكتاب الثقافیه، ۱۴۰۷ ق، به نقل از: کتابخانه مدرسه فقاہت.
۹. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱ و ۵، چ ۱، قم: بعثت، ۱۳۷۴ ش.





۱۰. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، به تحقیق و تصحیح جلال الدین محدث، ج ۱، چ ۲، قم: اسلامیه، ۱۳۷۱ ق.
۱۱. بنی هاشمی خمینی، سید محمد حسین و احسان اصولی، توضیح المسائل مراجع، چ ۸، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۴ ق.
۱۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحكم و درر الكلم، به تحقیق و تصحیح سید مهدی رجایی، چ ۲، قم: اسلامیه، ۱۴۱۰ ق.
۱۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، ج ۲۵، چ ۱، قم: آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
۱۴. حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، چ ۱، قم: آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۳ ق.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، به تحقیق و تصحیح صفوان عدنان داوودی، چ ۱، دمشق و بیروت: دارالعلم و الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
۱۶. صدوق (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن بابویه قمی، امالی الصدوق، چ ۶، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۱۷. صدوق (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن بابویه قمی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، به تحقیق و تصحیح مهدی لاجوردی، ج ۲، چ ۱، تهران: جهان، ۱۳۷۸ ق.
۱۸. صدوق (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن بابویه قمی، کتاب من لا یحضره الفقیه، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، ج ۴ و ۱، چ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۱۹. صدوق (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمة، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، ج ۲، چ ۲، تهران:



اسلامیه، ۱۳۹۵ ق.

۲۰. صدوق (شیخ صدوق)، محمدبن علی بن بابویه قمی، معانی الاخبار، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، چ ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ ق.

۲۱. طبرسی، احمدبن علی، الاحتجاج، به تحقیق و تصحیح سید محمدباقر موسوی خراسان، ج ۱ و ۲، چ ۱، مشهد: مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
 ۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، چ ۳، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۰ ق.

۲۳. طبری آملی مازندرانی، محمدبن جریر بن رستم، تاریخ الطبری؛ تاریخ الأمم و الملوک، به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۲، چ ۲، بیروت: دارالتراث، بی تا، به نقل از: کتابخانه دیجیتال نور.
 ۲۴. طوسی (شیخ الطائفة)، محمدبن حسن، تهذیب الاحکام، به تحقیق و تصحیح سیدحسن موسوی خراسان، ج ۶، چ ۴، تهران: اسلامیه، ۱۴۰۷ ق.

۲۵. طوسی (شیخ الطائفة)، محمدبن حسن، مصباح المتهجد، ج ۲، چ ۱، بیروت: فقه الشیعة، ۱۴۱۱ ق.

۲۶. طوسی (شیخ الطائفة)، محمدبن حسن، کتاب الغیبة، به تحقیق و تصحیح عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، چ ۱، قم: دارالمعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق.

۲۷. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، به کوشش محمدبن حسین شریف رضی، به تحقیق و تصحیح صبحی سالم، چ ۱، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.

۲۸. عیاشی، محمدبن مسعود، التفسیر، به تحقیق و تصحیح هاشم





رسولی محلاتی، ج ۱، ۱، چ ۱، تهران: علمیه، ۱۳۸۰ ق.

۲۹. قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۴، ۱۱، چ ۱، تهران: درس‌هایی از قرآن،

۱۳۸۳ ش.

۳۰. قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبة الله، الخرائج و الجرائح، ج ۲،

۱، قم: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۴۰۹ ق.

۳۱. قمی، عباس، کلیات مفاتیح الجنان، به تصحیح اسماعیل

پزشکیان نژاد، به ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، چ ۲، تهران: پزشکیان نژاد

و پسران، ۱۳۸۷ ش.

۳۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، به تحقیق و تصحیح طیب

موسوی جزایری، ج ۲، ۳، قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق.

۳۳. کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال المعروف به رجال

الکشی؛ مع تعلیقات المیرداماد، به تحقیق و تصحیح سید مهدی رجایی،

ج ۲ و ۴، ۱، قم: آل‌البيت عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۳۶۳ ش.

۳۴. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، الاصول من کافی، به تحقیق و

تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۱ و ۵، چ ۴، تهران: اسلامیة،

۱۴۰۷ ق.

۳۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار،

ج ۳۶ و ۴۰ و ۵۲ و ۸۳ و ۸۷، چ ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی،

۱۴۰۳ ق.

۳۶. مفید (شیخ مفید)، محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی،

الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، چ ۱، قم: کنگره هزاره شیخ

مفید رحمته الله علیه، ۱۴۱۳ ق.

۳۷. مفید (شیخ مفید)، محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی،





- المقنعة، چ ۱، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید رحمته الله علیه، ۱۴۱۳ق.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۰، چ ۴۱، تهران: اسلامیه، ۱۳۸۰ش.
۳۹. منسوب به امام حسن بن علی علیه السلام، التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری علیه السلام، چ ۱، قم: مدرسه الامام المهدي عنه الله تعالى، ۱۴۰۹ق.
۴۰. منسوب به علی بن موسی علیه السلام، الفقه المنسوب الی الامام الرضا علیه السلام، چ ۱، مشهد: آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۶ق.
۴۱. یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ج ۲، چ ۱، بیروت: دارالصادر، بی تا؛ به نقل از کتابخانه دیجیتال نور.





مسابقه فرهنگی فردای روشن

توضیحات شرکت در مسابقه

* پرسش‌ها از متن موجود طرح شده است و افراد بالای دوازده سال می‌توانند در مسابقه شرکت کنند.

* به روش‌های زیر می‌توانید در مسابقات فرهنگی شرکت کنید:

۱. ارسال پاسخ به سامانه پیامکی: برای این کار، کافی است به ترتیب نام مسابقه و شماره گزینه‌های صحیح پرسش‌ها را به صورت یک عدد پنج‌رقمی، از چپ به راست، همراه با نام و نام خانوادگی خود، به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲ ارسال کنید.

مثال: فردای روشن ۲۱۳۲۴ احسان رضوانی پور

۲. مراجعه به بخش مسابقات پرتال جامع آستان قدس رضوی:

haram.razavi.ir



۳. پاسخ به پرسش‌ها در پاسخ‌نامه: پاسخ‌نامه تکمیل شده را می‌توانید به صندوق‌های مخصوص مستقر در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی فرهنگی ببینید یا به صندوق پستی ۳۵۱-۹۱۷۳۵ ارسال کنید.

* هزینه ارسال پاسخ‌نامه از طریق قرارداد «پست جواب قبول» پرداخت شده است و لازم نیست از پاکت و تمبر استفاده کنید.
* آخرین مهلت شرکت در مسابقه، یک ماه پس از دریافت کتاب است.





* قرعه‌کشی از بین پاسخ‌های کامل و صحیح و به صورت روزانه انجام می‌شود و نتیجه آن نیز از طریق سامانه پیامکی گفته شده به اطلاع برندگان می‌رسد.

تذکر: پیشنهادها و انتقادهای خود را در پیامکی جداگانه ارسال کنید.

تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۹





پرسش‌ها

پرسش اول: کدام گزینه از نوآوری‌ها و ابتکارات انقلاب اسلامی ایران است؟

۱. طرح دین و دنیا در کنار هم
۲. برآمدن انقلاب از ایمان
۳. شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی
۴. همهٔ گزینه‌ها

پرسش دوم: مرحلهٔ نخست خودسازی که گامی به سوی مرحلهٔ جامعه‌سازی و تمدن‌سازی است، کدام گزینه است؟

۱. عدالت‌طلبی
۲. استقلال
۳. رشد معنوی
۴. پایداری و استقامت

پرسش سوم: بر اساس آیهٔ ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ﴾ عامل گمراه‌کنندهٔ مردم کدام است؟

۱. طاغوت
۲. شیطان
۳. سخن باطل
۴. صاحبان قدرت





پرسش چهارم: اسلام مکتب خود را بر چه اساسی بنیاد کرده است؟

۱. خدمت، عقل

۲. فطرت، عقل

۳. پیشرفت، خدمت

۴. عزت، خدمت

پرسش پنجم: بر اساس فرمایش حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ که می‌فرماید:
«إِنَّ تَمَنُّكَ الْجَنَّةَ» (خود را به کمتر از بهشت نفروشید.) به کدام یک از

گزینه‌های زیر اشاره می‌کند؟

۱. توجه به معنویات

۲. توجه به هویت

۳. پاک‌دستی و پارسایی

۴. توجه به بایدهای پیش‌رو



پاسخنامه مسابقه فرهنگی فردای روشن

نام و نام خانوادگی: نام پدر:

تحصیلات: استان: شهر:

تلفن ثابت باکد شهر: شماره همراه:

گزینه	۱	۲	۳	۴
پرسش				
اول				
دوم				
سوم				
چهارم				
پنجم				

نظرسنجی کتاب فردای روشن

رتبه	موضوع	بسیار خوب	خوب	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	میزان رضایت از جذابیت ظاهری (طرح جلد، اندازه و...)					
۲	میزان شیوایی مطالب					
۳	قابلیت فهم مطالب					
۴	میزان جذابیت و تازگی موضوع و مطالب					
۵	میزان تأثیرگذاری و مفید بودن مطالب					
۶	میزان تناسب محتوا با نیاز شما					
۷	میزان تناسب پرسش‌ها با موضوع					
۸	میزان رضایت کلی					
پیشنهادات و انتقاداتها: -----						

لبه کاغذ را پس از برش، تازه و بچسبانید

پست جواب قبول



فرستنده:

.....

.....

کدپستی:

از این قسمت تا شود

هزینه پستی بر اساس قرارداد شماره ۲۵۱ - ۹۱۷۳۴ پرداخت شده است.

طرف قرارداد: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی

صندوق پستی: ۳۵۱ - ۹۱۷۳۵